ظاهر می نمودند. رفته رفته دامنهء این قیام وسیع تر شد. بنی عباسی که از اولادان عباس کاکای پیامبر بود ازاین قیام مردمی سود بردند در اثر این قیامها عاقبت بنی امیه منقرض شد و خلافت به خاندان بنی عباس انتقال یافت.

بنی عباس که خود را منجی مسلمین معرفی می‌کردند وقیام خودرا در چوکات حرکت ضد استبدادی وبه عنوان انتقام گیری از بیرحمیهای بنی‌امیه توجیه می کردند همینکه پیروز شدند دیده شد که اینان در بیرحمی وقتل وکشتار از آنان هیچ کمی ندارند.

پایتخت خلافت در زمان عباسیان از دمشق به بغداد انتقال یافت. بغداد شهر بزرك و زیبا شد. در تمام کشور های اسلامی شهری به قشنگی بغداد نبود. حکمرانان قدرتمند وبازرگانان ثروتمند این شهر، بخاطر داستان های هزار ویکشب در تمام جهان مشهور شده اند.

متأسفانه سر پیچی ازاحکام وقوانین اسلامی موجب اختلاف طبقاتی ونژادی زیادی گردید.

مردان صحرا نشین اکنون در کاخهای مجلل زندگی می کردند و به جای‌خرما گرانقیمت ترین ومتنوع ترین خوراکها غذای ایشان شدو زندگی بسیار مرفهی برای خود پیدا کردند.

آنها کوشیدند که درجلال وشکوه به رقابت با امپراتوران سابق بپردازند وبسیاری آداب نا پسند و مفاسد زندگی آنها را هم پذیرفتند. اکنون ازاخوت وبرادری وبرابری مسلمین خبری نیست تفوق عرب بر غیر عرب در همه جا به چشم می خورد مرد سالاری و تحقیر زنان که از رسم های پلید امپراتوران بود در داخل امپراتوری عرب به وضوح دیده می شد.

فرهنك وتمدن اعراب:

دوران خلافت عباس از جهت علاقه وتوجهی که به علوم نشان داده می شد اهمیت خاصی دارد. در شهرهای مسلمین مراکز دانشگاهی متعددی دایر شد که زندگی فکری و علمی در آن رونق داشت. داکتران زیاد از مراکز دانشگاهی برخاست. در آن زمان در بغداد بیش از هر شهر اروپایی داکتر ماهر وجود داشت. شفاخانه های بود که اشخاص فقیر وقتی مریض می شدند در آنجا می ماندند. داکتران بیماران شفاخانه هارا می‌دیدند وخدمتکاران غذا و داروی لازم را به آنها می دادند.

انکشاف علم:

عالمان عرب می گفتند: بهترین آرایش انسان دانش است". در امپراتوری عربی علوم به مثل ریاضی، ستاره شناسی وجغرافیا انکشاف کرده بود. ریاضی دانان مسلمانان الجبر را اختراع کردند. ستاره شناسان اندازه تخمینی زمین را معین نمودند.

البیرونی عالم معروف مسلمین فرضیهء حرکت زمین را دراطراف آفتاب بیان کرد. ابوعلی سینابلخی عالم معروف مسلمین که در قرن یازدهم زندگی کرده است بیش از دوصد اثر از خود باقی گذاشته است. او بسیاری از مشخصات امراض را بیان کرده است وطرز معالجهء آنها را نیز تشریح کرده است.

مدارس و کتابخانه ها:

در بغداد پسرها به مدرسه هایی که در مسجد ها بود می‌رفتند والبته بعض دخترها هم به مدرسه می رفتند. در آنجا الفبای عربی، علم قرائت،ریاضیات، ادبیات و سایر علوم را می آموختند. در بعضی از مسجد ها علاوه بر پسرها، مردها هم برای شنیدن درس معلم فرزندان شان حاضر می شدندو در نتیجه مساجد تاحدی شبیه دانشکده بود.

بغداد مانند بیشتر شهرهای اسلامی کتابخانه های بزرگی داشت. ودرآن نسخه های خطی وقلمی با ارزش و گران بهایی از کشورهای مختلف جمع آوری شده بود. این کتابخانه به نام مخزن خرد یاد می‌شد.

هنر:

انکشاف وسیع تجارت زمینه رابرای گسترش قصه های شفاهی مردمی مساعد ساخت. تجار درباره کشورهای دیگر قصه های عجیب‌می کردند و درباره سیاحت و مسافرت دیگران حکایت های عجیب وغریب باخود می‌آوردند. بعد هااز قصه ها وافسانه های‌مذکور افسانه های معروف (هزارویکشب) ویا (شب های عربی) مرتب شده است.

در مرکز خلافت معماری خیلی پیشرفت کرده بود. برای خلیفه قصرهای زیبا و مجلل با تعداد زیاد فواره هامی ساختند. تعداد زیادی از کوچه های شهرهای عربی سنك فرش شده وازطرف شب ها با چراغ روشن می گردید. معماران عربی مساجد مقبول وزیبا اعمار می کردند. گنبدو دیوارهای‌مساجد با نقش ونگارهای زیبا تزئین می گردید. مسجد حضرت عمر"رض" در بیت المقدس ومسجد حضرت امام حسن (ع) در قاهره ومساجد قرطبه و بغداد از آثار عالی معماری آن وقت محسوب می‌شود.

تاریخ وحکمت:

همینطور مسلمین تاریخ نویسهای خوبی داشتند واز روی کتابهای‌تاریخی آنان می توانیم اطلاعات بسیار بدست آوریم. فلسفهء تاریخ نیز از ابتکارات مسلمین است گویند ابن خلدون نخستین نویسنده ای است که در جهان در موضوع فلسفهء تاریخ

به بحث وتحقیق آغاز کرده است. ابن خلدون میدان تاریخ حقیقی وطبیعت وماهیت آنرا کشف کرد.

همینطور مسلمین حکما وفیلسوف های زیادی داشتند. در اسلام نظامهای فلسفی و دستگاههای فکری چندی وجود دارد. مقصود ازفلسفهء اسلامی جهانبینی و جهان شناسی چندی است که در دامن فرهنك اسلامی پدید آمده وقوام یافته است... فلسفه های که باید یعقوب کندی وابونصر فارابی وغیره از پایه گذاران عمدهء آن به شمار رود.

اروپاییها ازمسلمین استفادهء علمی بردند

اروپایی ها بسیار چیزهارا ازمسلمین آموختند.تعداد زیاد آثار علمای ریاضی، وستاره شناسی رهنمای علمای آن دوره اروپای غربی گردید. امروز در جهان ستاره های زیادی بانام عربی شان یاد می‌شود.اروپاییها ازاعراب کشیدن نقشه واستفاده از قطب نمارا آموختند. آثار زیاد نویسندگان وعلمای باستانی از زبان عربی به زبان های مختلف اروپایی ترجمه ومورد استفاده قرار گرفته است.

گروهی از آگاهان که باشناخت وآگاهی بیشتری دربارهٔ علم و تمدن وادب وفرهنك اسلامی نظر داده اند، کوشیده اند تا به اندازهء ممکن، واقع پذیر وحقیقت گو باشد واز روا داری وغرض برکنار مانند و راستیها را بر ملا سازند. از جمله کسانی که در اینمورد نظر بدون غرض داده ولتر است وی می گوید:

"در دوران توحش ونادانی، پس از سقوط امپراتوری روم، مسیحیان همه چیز را مانند هیأت، کیمیا، طب، ریاضیات وغیره از مسلمانان آموختند وازهمان قرون اولیه هجری ناگزیر شدند برای گرفتن علوم متداولهءآن روزگار به سوی مسلمین روی آورند."

نمای مسجد امام حسن (ع)

تمـــــــرین:

۱–در دوره اموی ها چرا خلافت از مسیر عدالت منحرف شد؟

۲– در دوره اموی ها فتوحات اسلام تا کجا دامنه پیدا نمود ؟ آنرا بنویسید.

۳– چرا خلافت اموی ها منقرض شد؟ آنرا توضیح دهید.

٤– عباسیها که بود؟ و چگونه بقدرت رسید؟ آنرا توضیح دارید.

٥– چه تفاوتی میان حکومت عباسی ها و اموی ها موجود بود آنرا توضیح دهید.

٦– فرهنك و تمدن اسلامی‌درکدام دوره و چگونه رشد نمود؟

۷– چند شخصیت علمی و فرهنگی اسلامی را نام ببرید.

۸– چند علمی را که مسلمین انکشاف دادند نام ببرید.

۹– اروپاییان چگونه از مسلمین استفاده علمی بردند؟

۱۰– خود اروپائیان در این مورد (استفاده علمی از مسلمانان) چه نظر دارند.

۱۱– چرا در زمان ما مسلمانان عقب مانده اند؟

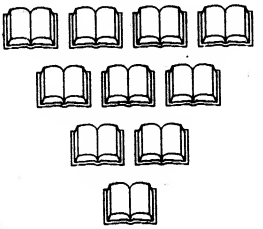

بخش دوم

اروپـــــا

در حدود سال ۳۳۰ میلادی کنستانتین امپراتور روم شهربیزانتوم را فتـح کـرد و نـام خود را برآن نهاد. از آن به بعد این شهر قسطنطنیه نامیده شد وامپراتوری روم بـه دو بخش شرقی وغربی تقسیم گردید. پایتخت روم غربی شـهر روم وپـایتخت روم شـرقی قسطنطنیه بود.

درسال ٤٧٦ میلادی امپراتور روم غربی در اثر قیام مداوم برده ها و حمله هـای اقـوام شمالی مقاومت خود را از دسـت داده و سـقوط کـرد و حکومـت امـپراتور روم غربـی منقرض، اما امپراتوی روم شرقی در قبال تهاجمات داخلی وخارجی مقـاومت نمـوده بـه حال خود باقی ماند. مردم این امپراتوری که آنرا امپراتوری بیزانس نیز می نـامند، بـه جای اطاعت از کلیسای روم (واتیکـان) فرهنـك و ادب یونـانی را پذیرفتنـد و پیرو کلیسای یونانی "ارتودوکس" شدند. در طول هزار سال پاپ ها و کاردیناها کوشش زیاد می کردند تا بین کلیسای روم غربی (واتیکان) و کلیسـای روم شـرقی (بـیزانس) اتحاد بر قرار سازند اما موفق نشدند.

روم شرقی هم چنان پایدارماند اماروم غربی سقوط کرد. ازآن پس اروپا وارد عصربی خبری وظلمت جهل شد ومخصوصاً پس از حکومت شارلمانی در اروپا تنهاحکومتهـای مالکان بزرك یا فیودالها باقی ماند.پادشاهان جرمن اگرچه خودرا پادشاه می نامیدند اما سلطنت آنها در واقع نامی بیـش نبـود. اروپـا در دسـت صدهـا دولـت فیـودال بـود. فیودالها یامالکان بزرك بر سـرفها یاکـار گرانـی کـه در امـلاك شـان کـار مـی کردنـد

حکومت می کردند. جنك ونزاع میان دولت های فیودال امر عادی بـود وپادشـاهان قادر نبودند که آتش جنگهای محلی را خاموش سازند وصلح وآشتی در میان آنان بـر قرار نمایند.

زمینداران بزرك لردیا ارباب نامیده می شدند. لردها خود را نجیـب زاده مـی دانسـتند وزندگی آنها اغلب در جشنها وخوشگذرانیها می گذشت. آنان احتیاجی به کارگران نداشتند زیرا که سرفها یا بردگان زمین همه چیز را برای آنان فراهم می کردند.

سرفها تقریباً برای انجام هرکاری مجبـور بودنـد ازلـرد یـا ارباب اجـازه بگـیرند. آنـان روزهادر مزرعه ارباب کار می‌کردند وچون هوا تاریك می شد به خانه های کوچك و گلی‌خود باز می گشتند. آنها چراغ نداشتند خانـه هـای شـان از شـاخه هـای بـه هـم تابیدهء درختان درست می شد. این خانه ها دودکش نداشت وچون غذا در داخـل اطاق درست می‌شد دود خانه را پر می‌کرد سرفها بعـد از برگشـتن ازسـرکار غذایـی مختصری می خوردند وسپس بارنج وخستگی فـراوان روی زمـین مـی خوابیدنـد. روز بعد دوباره رنج وزحمت وکارگران در مزرعهء ارباب آغاز می شد.

در بعضی ازاملاك به هر خانواده قطعه کوچکی از کشتزار وا گذار می‌شـد. سـرفها برای کشت در این قطعه کوچك مجبور بودند که باهم کار کنند زیرا هیـچ سـرفی بـه آن اندازه وسیله نداشت تابه تنهای مزرعهء خود را قلبه کند ودر آن غله بکـارند. در تمام روستا فقط چند قلبهء چوبی وجود داشت و این قلبه ها اغلب به اندازهء کُند بود کـه هشـت گـاونر مـی بایسـت یکـی از آنهـا را بکشـد وهیـچ سـرفی آن همـه گـاو رانداشت. بنابراین گـاوخودر ا بـه گاوهـای همسـایگانش مـی بسـت وهمـه باهم‌قلبـه میکردند. آنان هفته سـه روزبرزمین ارباب بـزرك کـار میکردنـد و در فصـل تابسـتان محصولات وفر ا آوردهای زمین را به انبار لرد یاارباب می بردنـد ودر زمسـتان بـرای قلعه یاخانهء ویلایی او هیزم می‌شکستند. سرفها مجبور بودند جاده ها وپلهـای خـراب شده را تعمیر کنند، برای ارباب خانه بسازند ودربعضی از فصول برای اوهدیه ببرد.

لردها یاارباب زندگی مجلل و باشکوهی داشت. او در قصری که معمولاً در نقاط مرتفع ملك ساخته می شد زندگی می کرد. مردان جنگجویی به نام شوالیه از قصر آنان محافظت می کردند والبته در شادی ورفاه لردها نیز شریك بودند.

در زمان قدرت حکومتهای فیودال، کلیسا نیز از قدرت بهره داشت. در آن زمان در قلمرو هر دولت فیودال کلیسایی وجود داشت که یك کشیش آنرا اداره می کرد. روزهای یکشنبه صدای کشیش از درون کلیسا شنیده می شد که به زبان لاتین دعا می‌خواند. در آن زمان هنوز در کلیسا ها از زبان مردم روم قدیم یعنی لاتین استفاده می‌شد. کتاب مقدس ، که از تورات و انجیل تشکیل یافته است ودعا ها ی مذهبی همه به زبان لاتین بود.

کشیش تنها معلم ده بود، اوعقاید مذهبی وبعضی‌از دعاها را به پسران و دختران یاد می‌داد غسل تعمید روستاییان، انجام مراسم دفن مردگان ویا ازدواج به عهده کشیش بود.

همکاری کلیسا ولردها:

امپراتوری روم قدرت خود را از دست داد، اما کلیسای روم (واتیکان) سالهای فراوان هم چنان قدرتمند بود. دولتهای فیودال به پاب خراج می دادند وکشیشها عملاً با مالکان بزرك همکاری می کردند. کشیشها وظیفه داشتند که سرفها را به اطاعت ازمالکان وادار سازند آنان مسؤل محصولاتی بودند که در بعض از کشتزار های اشتراکی سرفها به عمل می آمد. گاهی اوقات لرد قطعه زمین در اختیار کشیش قرار می‌داد. آنوقت سرفها مجبوز بودند زمین کشیش را نیز با زمین خودشان شخم بزنندو محصولش را جمع آوری کنند.

گاهی یکی دیگر از وابستگان کلیسا به نام اسقف به کلیسا های چندین ده نظارت داشت او می خواست اطمینان پیدا کند که کشیشهای این ده وظایف خودرا بخوبی

انجام می دهند.واز زمینها وساختمانهای کلیسا مراقبت می شود. اسقفها زیر نظر افراد دیگری به نام سراسقف بودند. اسقفها وسراسقفها ازمیان اشراف بر می خاستند. آنان گاه به نزو لرد یا بانوی او و شوالیه های او می رفتند. بعضی از این لرد ها نزد کشیش یا اسقف به گناهان خود اعتراف می کردند. کشیش پس از شنیدن اعتراف آنها معمولاً پس از دریافت مبلغی گناهان آنها را می بخشید. وبرای شان دعا می‌کرد. تحصیلات اسقفها و سر اسقفها از کشیش ده بیشتر بود آنها همه تابع پاپ در رم بودند.

کشیشان، اسقفها وسراسقفها زندگی سرفها را از نزدیك می دیدند اما برای نجات آنها از آن همه رنج واندوه کوشش نمی کردند. بسیاری از آنان تصور می کردند که فقر و بیماری وگرسنگی آنها خواسته ومشیت خدا است.

جنگهای صلیبی:

آیین مقدس اسلام ، آیینی است مبتنی برعدالت، قرآن گسترش عقیده مذهبی را بادلیل وبرهان و کوششهای علمی امکان پذیر می‌داند وبا مجبور کردن افراد غیر مسلمان به پذیرفتن دین جدید مخالف است. ازاین رو در آغاز توسعه ونشر اسلام، اقلیتّهای مذهبی در کشورهای اسلامی از آزادی کامل برخوردار بودند وبدون اضطراب ونگرانی مراسم واعمال مذهبی خود را انجام می دادند. آزادی اقلیتهای مذهبی درشهر بیت المقدس (اورشلیم) در عصر حکومت عباسیان وفرمانروایی حاکمان ترك وفاطمی هم چنان باقی بود.

در سال ۸۷۰ میلادی شخصی به نام (برنارد) به بیت المقدس ، یعنی شهری که مورد احترام مسلمانان ، مسیحیان ویهودیان بودسفر کرد وچون باز گشت در خاطرات خود نوشت:

بخش اول

عربستان

عربستان جزیره نمای بزرگی است که در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد. شبه جزیره عربستان را به پنج ناحیه تقسیم کرده اند.

۱- تهامه که سرزمینی است روی بروی ساحل شرقی بحیرهٔ احمر، هوای آنجا به شدت گرم است وبه همین دلیل آنجا راتهامه می گویند.

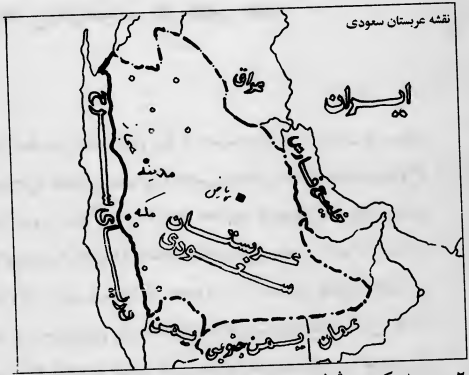

۲- حجاز که در شمال یمن و مشرق تهامه قرار دارد و تافلسطین امتداد می‌یابد از آنجا که واژهٔ حجز به معنی "فاصله وجدایی" است از اینرو این سرزمین که میان "تهامه " و "نجد" فاصله گذاشته ، به حجاز معروف شده است؛ این ناحیه کوهستانی و ریگزار است و دو شهر معروف مکه و مدینه در این بخش قرار گرفته است.

" اکنون به شما خواهم گفت که مسیحیان چگونه احکام خدا را در بیت المقدس به جامی‌آورد. اکنون مسیحیان ومسلمانان چنان با یکدیگر در آرامش به سر می برند که اگر شتر یا الاغی که اثاثیه مرا حمل می‌کند بمیرد، یامن اثاثیه خودرا بدون نگهبانی بگذارم وبه شهر دیگر بروم هنگام مراجعت تمام اثاثیه من دست نخورده باقی خواهد ماند."

زائران مسیحی در پناه امنیتی که حکومت اسلامی به وجود آورده بود ازسه کلیسای واقع در کوه (تجلی) دیدن می کردند، در کوچه های بیت اللحم راه می رفتند، شمعهای را که از پنجره های کلیسای واقع در کوه اولیوت می درخشید تماشا می کردند و در برابر ضریح مقدس زانو می زدند هیچ کس حق نداشت که به مذهب یا عقیده کس توهین کند.مسیحیان ، مسلمانان و یهودیان با مسالمت باهم زندگی می‌کردند.

قبل از جنك های صلیبی ، سرزمین های وسیعی از کشور های اسلامی راترکان مسلمان اداره می کرد. ترکان سلجوقی که قبلاً قبایل صحرا گردی بودند با پذیرفتن آیین اسلام امپراتوری وسیعی را پی ریزی کردند. اما این امپراتوری در اواخر قرن یازدهم میلادی در اثر رقابت حکمرانان محلی ضعیف شد وهمین امر پاپ وحکمرانان اروپا را بر آن داشت که شهر بیت المقدس را ازمسلمانان بگیرند. به علاوه ترس ووحشت پاپ از مسلمانان وجاه طلبی کشیشان دراین جنك انگیزهء دیگری هم وجود داشت. مردم بعضی از شهرهای ایتالیا مانند پیزا، ژن، ونیز و آمالقی از نظر تجارتی بسیار پیشرفته بودند و کم کم تصمیم گرفتند قدرت تجارتی خود را توسعه دهند. آنان تصمیم گرفتند به برتری مسلمین در مدیترانه شرقی پایان دهند و بازارهای خاور نزدیك را به روی کالا اروپای غربی باز کنند.

سرانجام طمع ورزی تجار وجاه طلبی کشیشان واسقفها کار خود را کرد و نهضتی برای تسخیر بیت المقدس در اروپا آغاز شد.

تهاجم صلیبیون:

گروهی از صلیبیون متعصب و پرحرارت به رهبری مرد متعصب و نیمه دیوانه بـه نـام والتردیوانه به قصد تسخیر بیت المقدس حرکت کردند لشکریان والتر مفلس مفلس از مجارستان وبلغارستان گذشتند و بـه قسطنطنیه رسیدند. آنها در طول راه بـه دزدی وغارت دست می زدند زیرا فکر می کردند که چون صلیب جهاد بر سینه زده بودنداجازه هرکاری را نیز دارند. پادشاه بیزانس خود را از شر آنها خلاص کرد وآنها را به سوی آسیای صغیر راهنمای کرد. در زد وخورد اول ترکان سلجوقی آنها را بکلی در هم شکستند والتر وعده زیاد کشته شدند فقط عدهء کمی از آنها توانست در اثر فرار از جنك جان خود را بسلامت ببرند.

در تیرماه سال ۱۰۹۶ میلادی دسته های مختلف صلیبداران تحت راهنمایی فیودالها و کشیشها از فرانسه، جرمنی و ایتالیا بر آمده بسوی مشرق حرکت کردند آنها خوب مسلح بوده و برای توشه راه پول هم داشتند.

صلیبون تا به آسیای صغیر رسیدند، راههای کوهستانی و بیابانهای بی آب سفر آنها را مشکل ساخته بود. حمله های پی‌در پی سواره سبك مسلمانان صلیب داران را بـه جان آورده بود. صلیبون در طول راه شهر ها را تصرف وغارت کرده و مردمانش را قتل عام می کردند. در میان سرکردگان دسته های صلیبی بالای تقسیم غنایم جنگی برخورد های زیاد وشدید صورت گرفت.

در سال ۱۰۹۹ میلادی دسته های صلیبی بعد از حمله های شدید بـه بیت المقدس دست یافتند سپاهیان پس از فتح شهر با قساوت و وحشیگری حیرت آوری بـه قتل عام مردم بی گناه شهر پرداختند آنان به کودکان وزنان رحم نمی کردند و اموال مردم راغارت می کردند وخانه هاراغصب.

فرماندهان صلیبی در حالی که دست شان بخون آغشته بود وارد کلیسای مسیح شدند و به شکرانه آن پیروزی مراسم دعا به جا آوردند پس از پایان آن‌مراسم از کلیسا خارج شدند.وبه سپاهیان خود دستور دادند که وارد مسجد اقصی شوند وهمهء آنهای را که به آن مسجد پناه برده بودند به قتل برسانند. صلیبی ها آنگاه به معبد یهودیان رفتندو معبد را به آتش کشیدند. صدها یهودی در معبد ودر میان آتش سوختند. همینکه کار یهودیان به پایان رسید غارت وچپاول مساجدآغاز شد. آنگاه به خانه ها ریختند و فجایعی مرتکب شدند که در تاریخ نظیر ندارند.

مبارزه مسلمانان برای رهایی بیت المقدس از دست صلیبیون:

با آنکه صلیبیها موفق به گرفتن بیت المقدس شدند اما اختلاف و تفرقه آنان مانع پیشروی آنان بسوی‌سایر کشور های اسلامی شدند ، از سوی دیگر مسلمانان بادرك زیان تفرقه و اختلاف به وحدت می گراییدند. آنان با تشکیل گروههای مقاومت ضرباتی بر قوای صلیبی در سرزمینهای اشغالی وارد می کردند.

مبارزات مسلمان ها تحت قیادت صلاح الدین ایوبی وعدم اشتیاق مردم اروپا در جنك بعد ازشکست پیابی باعث شد که صلیبون سرزمینهای اشغالی خود را در سوریه وفلسطین ازدست بدهند وبیت المقدس دوباره به دست مسلمانها بیفتد.

جنگهای صلیبی یکی از طولانی ترین وبی رحمانه ترین وخونین ترین جنگهای بود که در اثر جاٌ طلبی کشیشان وبازار یابی بازرگانان اروپا علیه مسلمین راه انداخته شدند. این جنك در اواخر قرن یازده شروع گردید وتا اوخر قرن سیزده ادامه پیدا کرد.

PROPERTY OF ACKU

تأیثر جنکهای صلیبی بر اروپا:

جنك های صلیبی خسارات سنگینی برمسلمانها ومردم شرق وارد کردند. اروپاییها در این جنك ها قربانی بسیار دادند، اما برای آنان پیروزی ماندنی به بار نیاورد وبه هدف نهایی‌خود که تصرف شرق بود نایل نیامدند. گرچند اروپاییها در این جنك پیروزی نهایی نیافت، اما این جنك بر زندگی آنان تأثیر شگفت داشت. آنان که قبل ازجنك در ظلمت جهل وعقب ماندگی به سر می بردند باآغاز جنگهای صلیبی باتمدن پیشرفته مسلمانان آشناشدند. آنان که پس از این نبرد ها به سرزمین خویش باز می گشتند از پیشرفت مسلمانان در علوم، در طب، در بهداشت و در صنعت ومعماری سخنهای بسیار می گفتند. مردم اروپا پس از آن به تاریخ و جغرافیا سخت علاقمند شدند و سیاحان بسیار عازم نقاط مختلف جهان شدند. اروپاییها شیوهء درست کشاورزی وتجارت را از مسلمانان آموختند. آنان به زندگی مردم شرق از نزدیك آشنایی پیدا کردند وبدینوسیله شکست نظامی خود را باپیروزی علمی وغنیمت عظیم فرهنگی جبران کردند.

انگزیسیون یا محکمه تفتیش عقاید:

پاپ ، اسقفها و کشیشان در طول قرون وسطی یك نوع عقیدهٔ مبتنی بر اوهام و خرافه را بر مردم تحمیل کردند. رهبران کلیسا در سر زمین های مختلف اروپا تعالیم توحیدی حضرت عیسی را تحریف کردند. و با جهل و افسانه های موهوم فکر مردم را به انحراف کشاندند و با تحریف دین غارت و چپاول مردم محروم را توجیه شرعی می کردند.

جنك های صلیبی و آشنایی اروپاییان با تمدن پیشرفته مسلمانان باعث شد که آنان فریبکاری های بانیان کلیسارا که بنام خداومسیح انجام میدادند ،درك کنند. از نیمهٔ

قرن سیزدهم نهضتهای علیه کلیسا و پاپ آغاز شد کشیشان این عصیانگران را که با تکیه بر بینش جدید و طرز تفکر نو به مسایل برخورد میکردند کافر و ملحد می گفتند.

پاپ گرگوار نهم بخاطر مقابله با موج جدیدی که علیه کلیسا آغاز شده بود اداره انگزیسیون یا تفتیش عقایدوآراء را تشکیل دادند. افراد وابسته به این دستگاه ماموریت د اشتند که افراد کافر و ملحد و مخالف کلیسا را تعقیب و جستجو کنند، و به مرور ایام این دستگاه به صورت وسیله مؤثر سرکوب و شکنجه در آمد. کشیشان و اسقفها به فرمان پاپ اختیار کامل داشتند که افراد کفار و ملاحده را دستگیر و شکنجه کنند.

طبق قانون دستگاه انگزیسیون هر کس از کفار یاغی اگر توبه نمیکردند و عقاید جدید خود را انکار نمیکردند زنده زنده سوزانده می شدند. در این گیرو دار دهها فرد دانشمند بجرم گستاخی اندیشه به دار آویخته شدند. عده ای زیادی سوزانده شدند.

پاپ ها کار را بجای رساندند که تمام گروه ها و فرقه های مذهبی را که جهت یك موضوع کوچك با آنها اختلاف عقیده داشتند یا هر کس که از روش و رفتار روحانیان کلیسای روم انتقاد میکردند. خارج از دین و مرتد اعلام کردند. چنانچه حکم تکفیر و قتل یك واعظ پر شور ایتالیایی از طرف کلیسا صادر و تطبیق شد. این واعظ " آرنولد برس سیایی " نام داشت. و در موعظه های خود از فساد و تجمل روحانیون انتقاد میکرد. به این جهت محکمه تفتیش عقاید او را دستگیر کردند و به دار آویختند و بعد هم جسد بیجان او را سوزاندند و خاکستر ش را دررود " تیبر " که از کنار واتیکان در شهر روم می گذرد ریختند تا مردم نتواند هیچ اثری از او برای خود نگهدارند.

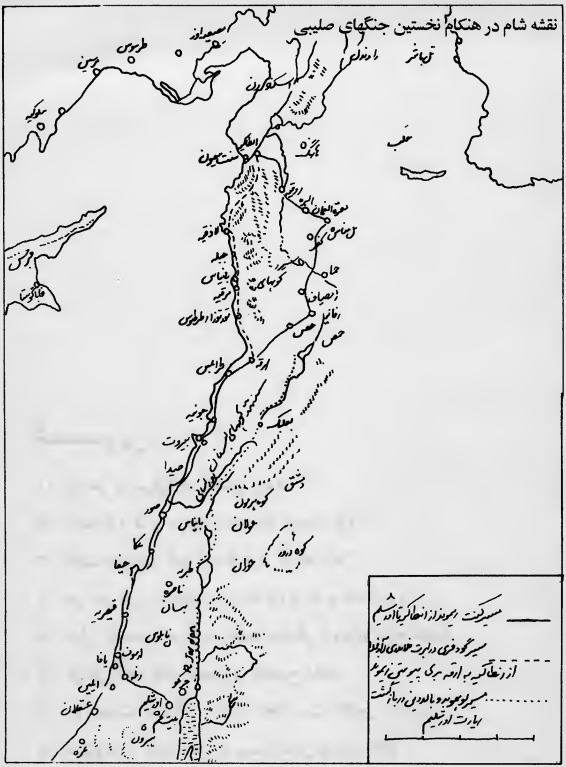
نقشه شام در هنگام نخستین جنگهای صلیبی
طرسوس
مصیصه
سیس
سوکه
قیاصر
مرعش
عین زربه
هارونیه
حلب
منبج
هنگام
بالس
رقه
الفرات
نهر الخابور
رحبه
دمشق
حمص
حماه
شیزر
معره النعمان
کفرطاب
بعلبک
بیروت
صیدا
صور
عکا
حیفا
قیصریه
ناصره
جنین
نابلوس
رمله
یافا
عسقلان
اورشلیم
بیت لحم
غزه
مسیر گذشت اسرو از انطاکیه تا اورشلیم
مسیر گودفری در ادامه حلقه‌ی آنان
از انطاکیه به اورشلیم به سوی ارتوف
مسیر تنکرد و بالدوین در بازگشت
پایتخت اورشلیم

تمـــــرین:

۱- لرد ها و سرفها چه کسانی بودند؟

۲- رابطه لرد ها و سرفها برچه مبنا استوار بود؟

۳- کلیسا چرا در کنار لرد ها قرار گرفته بود؟

٤- چرا در طول حاکمیت لرد ها اروپا عقب مانده بود؟

٥- نقش کلیسا را در روند عقب ماندگی اروپا توضیح دهید؟

٦- عوامل جنك های صلیبی را توضیح دهید.

۷- چرا صلیبیون موفق به ادامه اشغال بیت المقدس نشدند؟

۸- صلیبیون را کدام کس از بیت المقدس بیرون راند؟

۹- تأثیر جنك های صلیبی را بر اروپا توضیح دهید.

۱۰- انگز میسیون چیست و چرا تشکیل شد؟

۱۱- انگز میسیون با مخالفان چگونه بر خورد می کردند؟

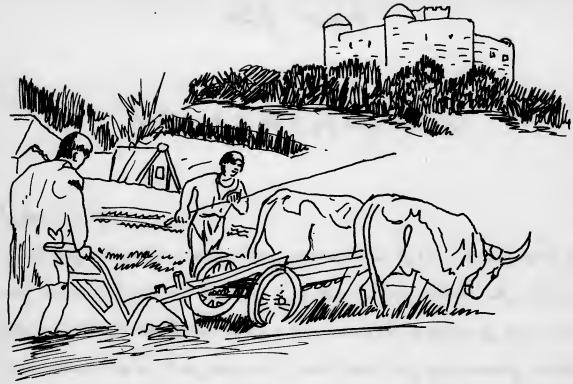

بازار برده فروشی وزندکی سرفها

بخش سوم

ایران از قرن ده تا پانزدهم میلادی

دولت آل بویه:

در ابتدای قرن دهم میلادی خلافت عباسی پیهم سرحدات خود را از دست میداد به شکل که تنها عراق و قسمت های غربی ایران تحت حاکمیت خلافت باقی ماند. در شمال ایران حکومت های کوچك فیؤدالی بوجود آمده بودند که همیشه بین خود جنك وجدال داشتند. آنها در اکثر جنك ها از عسکر های اجیر علیه همدیگر استفاده میکردند.

نزد ، یکی از فیؤدالهای محلی قریب بحیره کسپین سه برادر از اولاد بویه به حیث عسکر های اجیر خدمت میکردند. آن سه برادر از ولایت گیلان بود دیری نگذشت که آن برادران با فیؤدالهای که نزد او خدمت میکردند مخالفت نمودند و بعد فعالیت علیه او آغاز کردند. آنها از عسکر های مسلح اجیراستفاده نموده شهر های شیراز و اصفهان را تصرف نمودند و بعد حاکمیت خود را در قسمت های غربی ایران بر قرار نمودند.

یکی از آن سه برادر احمد نام داشت که در سال ۹۲۵ میلادی شهر بغداد را اشغال کرد. و خلیفه عباسی مجبور گردید که عنوان عالی حکومتی یعنی امیری امیران را با او بدهد.

آل بویه در قلمرو تصرفی خود به نام خلیفه عباسی حکومت میکردند و در خطبه و سکه نام خلیفه،اول قرار داشت لیکن از نگاه قدرت دولتی خلیفه تنها مقام مذهبی و دینی داشت وبس.

دولت بویه شامل تمام قسمتهای غربی و جنوبی ایران به شمول شهر های همدان ، اصفهان ، ری ،مناطق خوزستان ، فارس ،کرمان و عراق یا شهر بغداد بود.

دیری نگذشت که بین اولاده بویه بر سر کسب قدرت جنك ها آغاز شد.در این مبارزه عزالدوله خسرو به موفقیت های‌نایل آمد و از ۹۶۹ میلادی تا ۹۸۳ میلادی زمام دولت بویه را بدست گرفت

در زمان حکومت او دولت بویه به قدرت عالی خود رسیده بود. تمام سر زمین های قلمرو آل بویه به دولت مرکزی پیوست. در زمان حکومت عزالدوله برای انکشاف زراعت کوششهای زیاد شد. دانشمندان ، شعرا ، و هنر مندان دردربار او جمع شدند و حمایت گردیدند.

بعد از مرك عزالدوله بین پسران او به خاطر گرفتن مقام حکومت مبازره آغاز شد. جنك های‌خانوادگی ارتباط اقتصادی و تشکیلاتی بین ایالت مختلف را ضعیف ساخت پراکندگی و جنگهای داخلی بر سر کسب قدرت وسعت یافت. عوامل فوق سبب ضعف و سقوط دولت بویه گردید. مناطق و سرزمین های که سابقاً جزء دولت بویه بود تحت اشغال قدرتهای مهاجم و تجاوز گردر آمد و نظم و قدرت دولت بویه از هم پاشید.

تصرف قسمت شرقی ایران:

در ابتدای قرن دهم میلادی دولت سامانی قدرت حاصل کرد. مرکز این دولت شهر بخارا بود. سامانیان حاکمیت خود را نه تنها درماورالنهر و خراسان بلکه در بعضی از ایالات شرقی و شمالی ایران نیز بر قرار کردند. آنها استقلال کامل خود را از خلافت عرب بدست آوردند. سامانیان از غلامانی که در جنك ها با قبایل ترك بدست آورده بودند قشونی تشکیل دادند. بعضی از روسای نظامی قشون سامانی در اواخر قرن دهم میلادی به زمنیداران کلان تبدیل شدند. آنها از اجرای اوامر حکومت مرکزی سرپیچی

۳- نجد که به معنی سرزمین مرتفع است ، میان یمن و صحرای "سماوه" و "عروض" وعراق قرار گرفته وچون ازسایر نقاط عربستان بلند تر است آنرا" نجد" نامیده اند کشاورزی گندم وخرما و ذرت و پرورش اسپ عمده ترین شغل نجدیان است.

٤- یمن که از نجد تا اقیانوس هند امتداد داشته وازمشرق مجاور حضرموت وبحر عمان است. این سرزمین را به دلیل اینکه از زمان های بسیار دور، سر سبز وخرم بوده سرزمین سبز نامیده اند.

٥- عروض که شامل "یمامه" و " بحرین " است ومیان نجد ویمن وعراق قرار گرفته است.

اوضاع عربستان در عصر بعثت

وضع اعتقادی:

در زمان بعثت حضرت محمد دین های آسمانی یهود ومسیحیت در سرزمین عربستان پیروانی داشت. اعراب حیره بعضی مسیحی وبعضی زردشتی بودند زیادتر پیروان مسیحیت در یمن وشام "سوریه" زندگی می کردند. تعدادی از یهودیان در یمن وبیشتر در حوالی شهر یثرب بودند، اماعقیدهء مسلط بت پرستی بودند. اعراب سنك، جوب، درخت، آفتاب وماه را می پرستیدند. حدود ۳٦۰ بت از قبایل مختلف بر دیوار کعبه آویخته شده بود معروفترین بت های آنان عبارت بودند از: هُبل، لات، منات، غزی. پرستش موهومات از قبیل: جن، غول، عفریت، دیو و اعتقاد به موهوماتی از قبیل فال، جادو، رمالی وغیره نیز در نقاط مختلف عربستان رواج داشت.

می‌کردند. یکی از این روسای نظامی البتگین بود. او در سال ۹۶۳ میلادی شهر غزنی رابه تصرف خود در آورده حکومت مستقل را در آنجا تشکیل داد.دیری نگذشت که این حکومت به دولت پر قدرت غزنوی تبدیل شد و بعد از اشغال خراسان ، شهر های ایران از جمله ری ، قزوین ، اصفهان را با مربوطین آنها اشغال و جزء دولت غزنویان ساخت دولت غزنویان خیلی دیر نپایید و به زودی ترکان سلجوقی حاکمیت خود را برتمام مناطق ایران تحمیل کردند.

تشکیل دولت سلجوقی:

در زمان های‌قدیم در آسیای میانه از دشتهای نزدیك کسپین تا کوههای التایی قبایل مختلف ترکی زبان زندگی مالداری و کوچیگری داشتند.

در آن روز گار آنان (ترکها) نه تمدن داشتند و نه فرهنك.مذهب آنان شرك و بت پرستی بود. آنان در میان قبایل دیگر به جنك آوری و شجاعت معروف بودند ناگهان این قوم چادر نشین گرد هم آمدند و برای تسخیر سر زمین های جدید به سوی مشرق هجوم بردند.

در عین زمان ترك ها دین اسلام را قبول کردند. طغرل بیك ، پس از آنکه در نیشابور تاج گذاری کرد در سال ۳۳۷ هجری به سوی بغداد حرکت کرد و آن شهر را فتح کرد. طغرل بیك در سال (۱۰۶۲) میلادی وفات یافت.بعد از او برادرزاده اش آلپ ارسلان به جای او نشست.الپ ارسلان هم چون عمویش طغرل بیك مصمم بود که در راه آسیای صغیر خود را به قسطنطنیه برساند. او ابتدا با سپاه خود به عزم تصرف ارمنستان حرکت کرد. رومن دیو ژن که در آن زمان ، امپراتور روم شرقی بود با سپاه عظیمی به مقابله به وی پرداخت.جنك شدید و خونین در محل معروف به ملازگرد اتفاق افتاد. در این جنك رومیان شکست سختی خوردند و امپراتور به دست مسلمانان اسیر شد پس از الپ ارسلان پسرش ملك شاه به سلطنت رسید.در عصر وی

پیشرفت های ترکان مسلمان ادامه یافت چند سال بعد آنان اکثر کشور های را از سواحل دریای مدیترانه تا مرز های چین زیر نفوذ خود داشتند. ترکهای‌مسلمان آنچنان قدرتی یافتند که امروزه پژوهشگران تاریخ از اینکه قومی بیابانگرد و بی تمدن بتوانند در مدتی کوتاه دارای آن چنان قدرت عظیم بشوند ، اظهار شگفتگی می کند.

ظهور چنگیز خان:

قبایل مغل مردم صحرا نشین و بیابانگرد بودند که در دشت های مغلستان زندگی میکردند. آنها قبایل متعدد بودند که قبل ازظهور چنگیز خان به آنصورت اهمیت نداشت.

قبایل پراکنده مغل گرد هم جمع شدند و برای خود رهبر واحدی می برگزیدند که او را خان بزرك نامیدند و نسبت به او سوگند وفاداری و اطاعت یاد کردند. و در تحت فرماندهی او بسوی پکن تاختند و حکومت امپراطوران کینك را پایان دادند.چنگیز خان بعد از تصرف کشور پهناور چین خیال پیشروی در آسیا نداشت. چنگیز خان میخواست با سلطان خوارزم دوستانه رفتارداشته باشد. به همین سبب در سال ۱۲۱۵ سفیر سلطان خوارزم سید بهاءالدین رازمی را که تاپکن پیش رفته بود با مودت و احترام پذیرایی کردو از ضرورت صلح دائمی بین دولتین و استقرار تجارت دم زد.چنگیزخان با فرستادن سفیر بنام محمود یلواچ همراه با پیام و هدایای برای سلطان خوارزم روابط تجارتی بین مملکتین

را خواستار شد. سلطان خوارزم پیشنهاد چنگیز خان را پذیرفت. و با سفیر چنگیز خان قراری بست و تحکیم روابط تجاری را وعده داد.

اما همینکه کاروان تجارتی چنگیز خان به سر زمین شاه رسید دستور داد آنان را بکشند و اموال شانرا مصادره نمایند.ماموران خوارزم شاه طبق دستور او جمعی بازرگانان مغل را کشتند. چنگیز با وجود این واقعه باز هم خواهان صلح و سازش بودند و سفیرانی به حضور خوارزم شاه فرستاد و در خواست کرد که عاملان این کار را کیفر دهد ولی شاه ابله که از خود مغرور بود و خود را خیلی مهم می شمرد با این سفیران بد رفتاری کرد و آنها را کشت. این امر دیگر برای چنگیز خان قابل تحمل نبود ، اما عجله ای نکرد و با کمال دقت به تهیه و تدارك پرداخت و در اولین فرصت با سپاهیان خود به سوی مغرب تاخت.

این هجوم در سال ۱۲۱۹ میلادی (٦١٦هجری قمری) آغاز شد. امپراطوری خوارزم در مقابل هجوم مغل از بین رفت. شهر عظیم بخارا که پر از کاخهای عالی و قصور پر شکوه بود و بیش از یك میلیون نفر جمعیت داشت به خاکستر مبدل گشت. سمرقند پایتخت خوارزم نیز ویران شد. هرات و بلخ و بسیاری از شهر های پر رونق دیگر همه ویران شدند. و میلونها نفر نفوس بشری نابود گشتند. تمام هنر ها و صنایع که در آسیای مرکزی در رونق بود برای مدت چند سال از میان رفت انگار که زندگی و تمدن درکشور در آسیای مرکزی قطع گردید هر جا که چنگیز عبور میکرد اگر در مقابلش مقاومت صورت میگرفت به بیابانی‌مبدل میگشت. اما اگر سیاست معقول در قبال آن اتخاذ میشد چنانچه ملوك کرت در غور چنین سیاستی اتخاذ کردند، چنگیز خان با آنان با گذشت و مدارا رفتار میکرد.

یکی از سردار مغل بنام هلاکو خان در سال ۱۲۵۹ م در ایران دولتی تأسیس کرد. او پس از دو سال شهر بغداد را تصرف کرد که در نتیجه آن خلافت عباسی ازمیان رفت.

تهاجم مغل به رهبری چنگیز خان مثل لشکر کشی های سایر مهاجمان بدنبال خود ویرانی و تخریب گسترده را به جای گذاشت، اما چنگیز بیشتر از دیگران به عنوان فرد جانی در تاریخ مطرح شده است و حال آنکه کیفیت و کمیت و ماهیت همه تجاوز گران و مهاجمان یکی بوده و هستند. چنین به نظر میرسد که دلیل این کار آن بوده است که چنگیز خان از خود تاریخ نویس نداشته است. تاریخ فتوحات او را همه دشمنانش نوشته اند. و در قتل و کشتار چنگیز خان اغراق کرده اند.

تیموریها در ایران:

دولت تیمور که در آسیای‌میانه تاسیس یافت و سال های حکمرانی آن از (۱۴۰۵ م) تا (۱۵۷۰ م) به لشکر کشی وسیع و استیلا گرانه به سوی ایران شروع گردید.
امیر تیمور بعد از تسلط بر ماورالنهر و فتح قبچاق و کاشغر به سوی ایران تاخت. امیرتیمور در کشور ایران نخست سوقیات مختصری کرده و استرآباد را تسخیر نمود و بعد آذربایجان و عراق و فارس را بگرفت. و بعد تمام ایران را بگرفت اشغال ایران توسط عسکر های تیمور چندین سال طول کشید.
تیمور همانند چنگیز (با تفاوت های) سنك دل و بیرحم بود. جا های را که فتح میکردند با قتل و کشتار وسیع همراه بود و در بعضی جاها مردم رادرصورت که مقاومت شدید علیه آن صورت می گرفت بطور جمعی میکشت.
تیمور قسمت غربی ایران را به پسرش میران شاه سپرد. پس از مرك تیمورمبارزه جهت بدست آوردند حاکمیت و قدرت بین بازماندگان او شروع شد. میران شاه در جریان این مبارزات کشته شد و قسمت ایران غربی بدست قره یوسف ، پیشوای قبایل ترکمنی قره قو نیلو افتاد. در طول قرن چهارد ه میان عده ای از قبایل جهت بدست آوردند قدرت در ایران غربی مبارزه ادامه داشت. این قبایل در حین مبارزه میان خود ، علیه فشار ترکیه عثمانی نیز شدیداً پیکار می کردند

فرهنك در ایران آن دوره

حرفه و صنعت:

از قرن ۱۰ تا ۱۲ میلادی حرفه و صنایع دستی در ایران به مقدار زیادی رشد نموده بود. رنك آمیزی منسوجات ، گلدوزی ، طلا کاری ، نقره کاری ، قالین بافی ، تولید ظروف مسی ، برنجی ونقره یی با نقش های تزینیی ، صنعت کاشی کاری شهرت وٰیاد حاصل نمود. ظروف کلالی کاشی کاری می شدند ، مخصوصاً رنك آبی مورد پسند همه بود.هنرکنده کاری و نقاشی های مشهور ایران در ساختن قندیل ها مشاهده می شد. قندیل ها از طلا ، نقره و مس ساخته می شد. که در آن انواع گلها کنده کاری و نقاشی میشد. هم چنان در مساجد محراب ها را کنده کاری و نقاشی می کردند و قندیل ها می آویختند.

ادبیـــــــات:

در قرن نهم میلادی در ایران زبان ادبی فارسی شکل گرفت. در ابتدا به زبان فارسی نو تنها آثار منظوم می نوشتند. اما از نیمه قرن دوم آثار علمی نیز به زبان فارسی نوشته میشد. شاعر عالی مقام مصلح الدین سعدی شیرازی در قرن سیزدهم م در شیراز متولد شد. سعدی سالهای جوانی خود را در آنجا گذرانید و بعد به ممالك و سر زمین های زیاد سفر کرد.سعدی استاد و دانشمندی بود که گنجینه های شعر و نثر به زبان فارسی دارد و مشهور ترین آنها گلستان و بوستان است.

یکی از شعرای بزرك قرن ١٤ میلادی شمس الدین محمد حافظ شیرازی بود. او نیز درشیراززندگی میکرد.حافظ زیبایی و عشق ، آزادی ، احساس و سرورزندگی را

سروده است. او ریاکاری و دورویی را نیکوهش کرده است. واعظان بی عمل و متقلب را به باد انتقاد گرفته اند.او در باره واعظان بی عمل چنین سروده است.

واعظان کاین جلوه در محراب ومنبر میکنند
چون به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند
گویا باور نمی دارند روز داوری
کاین همه قلب و دغل در کار داور میکنند
مشکلی دارم زدانشمند مجلس باز پرس
توبه فرمایان چرا خود تو به کمتر می کنند

علم:

رشد تکامل علوم در ایران کمتر از رشد ادبیات و زبان نبود.اما قسمت عمده یی آثار علمی به زبان عربی نوشته شده است. زیرا زبان علمی آن دوره زبان عربی بود. و زبان عربی درکشور های اسلامی بصورت زبان بین المللی در آمده بود. لذا مولفان آثارعلمی خود را به زبان عربی می نوشتند ، تا برای همه حلقه های علمی کشور های مسلمان قابل استفاده باشد.

عالم بزرك شرق بوعلی سینای بلخی مدت زیاد به دربار آل بویه در ری ، همدان و اصفهان زندگی کرده است.

بوعلی سینای بلخی طبیب ، فیلسوف ، دانشمند علوم طبیعی ، شاعر و موسیقی شناس بود. اثر او " القانون فی الطب " بهترین اثر طبی است که در طول شش قرن از ۱۲تا۱۷ میلادی دانشمندان طب در اروپا از آن به حیث نوت و کتاب درسی استفاده می کردند. کتاب(شفا)معروفترین اثر فلسفی این دانشمند است.

منجم بزرك عالم ریاضی قرن ۱۳ خواجه نصیر الدین طوسی درشهر مراغه رصد خانه ای را با کتابخانه بی دارای ۲۰ هزار جلد کتاب ابداع کرد. در این مرکز نجومی منجمان هند و چین نیز کار می کردند. کتابخانه شهر تبریز دارای ۶۰ هزار جلد کتاب بود. در آنجا مسجد ها و مدرسه های زیاد بود که ۶-۷ هزار شاگرد در آن تحصیل می کردند.در شفا خانه این شهر جراح ، طبیبان چشم و دردیگر رشته های طب داکتران هندوستانی ، چیینایی ، سوری ، مصری کار و فعالیت می کردند.

معمـــــاری:

معماری ایران در قرون وسطی نمونه عالی صنعت معماری به حساب می آمد. اکثر یاد-گارهای معماری ایران تا امروز باقی مانده است. این یاد گارهای فرهنگی عبارت از بناهای مساجد و مدرسه ها می باشند. مساجد جامع در قزوین ، کردستان و اصفهان نمونه عالی صنعت معماری محسوب می شود.

علاوه بر بنا های متذکره مقبره های گنبد دار و منار ها نیز نمایندگی از رشد هنرو صنعت معماری در ایران آن عصر می کند. یکی از این یاد گارهای معروف منار مقبره قابوس در شهر گرگان است که از هنر معماری قرن یازدهم میلادی نمایندگی می کند.

مواد اصلی ساختمان در آن بنا ها خشت پخته بود. بناها درداخل و خارج با خشتهای پخته بریده تزیین و نقاشی می شد. بعدتر بناها را با پارچه های جلادار کاشی و کاشی ها را به رنك های مختلف نقاشی و تزیین می کردند.

امپراطـــوری عثمـــانـــی

ترکان عثمانی که امپراطوری عظمیی را ایجاد نموده بود نام خود را از نام رهبر جنگجوو دلاور خود گرفتند عثمان در سال ٦٧٩هجری قمری (١٣٠٠) میـلادی لقـب سـلطان بر خود گذاشت. از آن پس ترکان عثمانی هـر روز نـیرو مندتـر از روز پیـش میشـدند. درسال ١٣٢٦ میلادی آنها شهر بروسه ، یعنی بزرگترین شهر مسیحیِ آسیای صغیر را تصرف کردند چند سال بعد آنها توانستند تمام سواحل آسیایی دریای مرمره و بوسفورا تسخیر کنند. آنان آنچنان سریع پیشرفتند که بـه زودی بـه ناحیـه بالکـان رسـیدند و در آنجا شهر ادریا نوبل را که زمانی نیرو مندترین شهر امپراطور بیزانس بود تصرف کردند و آنرا پایتخت خود ساختند.

سقوط بیزانس:

ترکان عثمانی همیشه به فکر اشغال قسطنطنیه مرکز دولت بیزانس بـود. سـلطان محمـد دوم با لشکر صد هزار نفری خود به قسطنطنیه حمله برد. او بـاعده ای از عسـکر هـای خود قسطنطنیه را از طرف خشـکه محـاصره کـرد عـدهٔ دیگـر عسـاکر ترکـی بـه بحیره مارمورا وارد شده ارتباط شهر قسطنطنیه را با جهان خارج قطع نمودند. ترکها با تـوب های پر قدرت خود دیوار های شهر را زیر آتش قرار می دادند.

ترکها بعد از ٥٢ روز محاصره این شهر را فتح کردند و در هنگام ظهر روز بیست‌ونهـم ماه مه سال ١٤٥٣ سلطان محمـد دوم کـه از آن پـس بـه سـلطان محمـد فـاتح معـروف گشت وارد شهر شد. سر انجام قسطنطنیه یعنی شهری کـه قـرن هـا در برابـر رومیـان ، آوار ها (از قوم آلتایی) ، بلغار و سپاهایان خلفای عباسی مقاومت کرده بـود، سـقوط کرد و قسطنطنیه شهری اسلامی شد. از آن به بعد تغیرات اساسـی در شـیوه زندگـی ،

نوع معماری وهنر مردم پدید آمد.طرح یونانی معماری‌کلیسای بیزانس با معماری اسلامی ترکیب شد. به عنوان نمونه باید گفت که کلیسای سانتا صوفیا تبدیل به مسجد گشت و نام ابو صوفیا را به خود گرفت. در این مسجد تصویر طلائی ژوستی ینان را با گچ پوشاندند و چهار مناره بر بنای اصلی آن افزودند.

فتح قسطنطنیه بدون تردید یکی از حوادث بزرك در تاریخ و تمدن بشری است. با فتح این شهر مسیحیت یکی از بزرگترین و مهم ترین پایگاه های خود را از دست داد. و امپراطوری عثمانی رسماً پایه گذاری‌شد. امپراطوری عثمانی از آن به بعد بر قدرت و نفوذ خود افزود و به تدریج با تسلط بر کشور ها و سر زمین های دیگر اسلامی خطر بزرك برای اروپا شد. امپراطوری عثمانی مدت پنج قرن دوام یافت. علی رغم ضعفها و شیوهٔ نادرست اداری و قدرت طلبی سلاطین عثمانی ، باید گفت که این امپراطوری سد عظیم در قبال تهاجمات و تجاوزات غربیها بود. با افو ل امپراطوری عثمانی نفوذ اروپاییها روز به روز در قلمرو کشورهای اسلامی و شرقی زیاد شد و کشور های اسلامی را به تدریج تحت سلطه و انقیاد خود در آورند و این روند تاکنون ادامه دارد.

تمـــــــرین:

۱- دولت آل بویه چگونه تشکیل شد؟

۲- دولت آل بویه چگونه منقرض شد؟

۳- دولت سلجوقی چگونه تشکیل شد؟

٤- دولت سلجوقی کدام سر زمین ها را فتح نمود؟

٥- چنگیز خان که بود؟ وچگونه ظهور نمود؟

٦- چرا چنگیز خان آسیا را مورد تهاجم خود قرار داد؟

۷- تیموری ها چگونه به قدرت رسید؟

۸- فرهنك و علوم در آن دوره در ایران تاچه حد انکشاف یافته بود؟

۹- امپراتوری عثمانی چگونه شکل گرفت؟

۱۰- ترکان عثمانی را به چه دلیل به این نام می خواند؟

۱۱- ترکان عثمانی چگونه و تا کجا قلمرو امپراتوری خود را گسترش دادند؟

۱۲- چرا بعد از ضعف و سقوط ترکان عثمانی غربی ها کشور های اسلامی را زیر انقیاد خود در آوردند؟

وضع اجتماعی:

ساختار اجتماعی جزیرةالعرب مبتنی بر اساسات قبیلوی بود. در این نظام حکومت بدست ریش سفید یا شیخ بود معیار امتیاز وشرافت، نجابت قبیلوی وخانوادگی بود همانطور که حکومت قبیله بدست ریش سفید وشیخ بود ، حاکمیت خانواده ها وخاندانها با پدر کلان ها بود.

در صحرای خشین عربستان و در زندگی سخت و روابط خصمانه ی قبیلوی که زندگی براصل دفاع وحمله مبتنی بود بچه ها را موقعیتی می بخشید که پایه نظامی واجتماعی داشت وبر فایده و احتیاج استوار بود. پسر بودن خود بخود دارای ارزش های معنوی وشرافت اجتماعی واخلاقی وانسانی شده بود. به همان پایه ای که پسر دارای ارزش وافتخار قبیلوی شده بود، دختر بودن مایهء ننك و ذلت شده بود واین ذلت او را به اسارت کشیده بود و زن موجودی شده بود مملوك مرد، ننك پدر و بازیچهء هوس جنسی مرد.

بچه بودن افتخار بود ودختر بودن مایه ننك و ذلت. برای رهایی از این ذلت بعض قبایل دختران را زنده به گور می کردند و.....

وضع اقتصادی:

در نظام قبیلوی عربستان مردم به دو گروه نادار و دارا تقسیم شده بودند. اکثریت مردم در فقر وناداری کامل به سر می بردند واقلیت اشراف تمام مزایای زندگی را به انحصار خود در آورده بودند. بهره کشی بیرحمانه وضع رقت باری را بر اکثریت مردم تحمیل کرده بود بطوریکه زندگی اکثر مردم روز به روز خراب تر می شد فقر وتنگدستی بیداد می کرد، اما اکثریت مردم بدلیل تسلط عقیدهء شرك و فرهنك خرافه نه تنها در مقابل عده ای چپاولگر ایستادگی نمی کردند که آنان را به عنوان

بخش چهارم

چین

چین تاریخ دراز وطولانی دارد.مردمان چین اولین مردمانی هستند که صنعت چاپ وکاغذ را که زمینه گسترش و انتقال تفکر ، علم و تمدن گردید اختراع کردند، چین در قرن سوم و قبل از آن دارای سیستم ملوك الطوایفی بود. درداخل چین دولت های کوچك موجود بود که با هم نفاق و دشمنی داشتند. این سیستم باعث شده بود که چین در قبال تهاجم کوچیهای که در شمال دیوار بزرك چین زندگی میکردند ،ضعیف و ناتوان باشد.

در اواخر قرن ششم میلادی فیؤدالان و روسای مختلف چین بخاطر تثبیت حاکمیت شان و ایجاد بنیه ی دفاعی در قبال تهاجمات کوچیها با هم اتحاد کردند و یك کشور واحدی بوجود آوردند.

پس از وحدت ، قسمت شمالی چین ازدست کوچی ها آزاد گردید. دهقانان کانال ها حفر نمودند بالای دریاهای یانکتزی و هوانگهو بند های آب اعمار کردند. در زمین های که تحت آبیاری قرار گرفته بود ، برنج ، نیشکر و چای زرع می نمودند. در قسمت جنوبی کشور از زمین ، سال دو نوبت حاصل می گرفتند.

تمرکز دولت فیؤدالی باعث رنج و مرارت زیادی مردمان چین گردید. زمین ها تماماً تعلق به امپراتور داشت. دهقانان از دولت قطعات کوچك زمین را می گرفتند و درمقابل آن به دولت مالیه می دادند. دهقانان با زحمات زیاد از صبح تا شام بالای قطعات مربوطه ی

شان کار میکردند و از زمین خوب مراقبت میکردند اما در هنگام جمع آوری محصول قسمت زیادآنرا مامورین دولت میگرفتند.

مامورین دولت به خاطر ساختن قصر ها و کاخها برای امپراطور و قلعه ها و عبادتگاهها هزاران مردم را به ضرب چوب و شلاق به کار می گماشتند.

امپراتور در قبال خدمات روسای لشکر و مامورین خود قطعات زمین را در اختیار شان قرار می دادند. در قرن ۸ میلادی آنان آزادانه به تصرف زمین های دولتی اقدام می‌کردند.

دهقانان دوحصه حاصل خود را به فیودال می‌پرداختند و یك حصه را برای خود میگرفتند این پرداخت عنوان باج را داشت. در سالهای قحطی و آب خیزی صد ها هزار دهقان می مردندو تعداد زیاد شان به کوهها و جنگلها فرار میکردند. و در آنجا با هم متحد می شدند. تا سلطهٔ خوانین و فیؤدالها رابراندازند.که قیام دهقانان به رهبری هوانك چاو در سال ۸۷۵ میلادی نمونه ای از اینگونه تحرکات و قیام دهقانی است.

هوانك چاو که مرد دلیر و تیر انداز و نیزه باز ماهر بود یك قیام دهقانی را موفقانه رهبری کرد. امپراتور و نیروی های فیؤدالی در این گیرودار شکست خورد دهقانان به هوانك چاو مقام امپراتور را داد. چون آنان به غیر از سیستم امپراتوری سیستم دیگر رانمی‌شناختند.در سال ۱۳۱۱ نیرو های چنگیز خان وارد چین شد و برای مدت زیاد چین تحت حاکمیت خانواده چنگیز قرار گرفت.

تمدن و فرهنك در چین:

در همان زمانیکه اروپا در ظلمت جهل و عقب ماندگی فروفته بود در چین پیشرفت های شگفت انگیزی در زمینه های علم و دانش و صنعت و تجارت پدید آمده بود. وچین در تمام زمینه ها رشد و تکامل نموده بود.

رشد حرفه:

شهر های چین اکثراً د رکنار راه های مهم تجارتی و در سواحل در یا ها و بحیره ها قرار داشتند. این شهر ها با دیوار های بلند احاطه شد و کوچه های ،آنها با سنك فرش شده بود. قصر های فیؤدالانان با سر سبزی خاص از دور نمایان بود.

در قرون وسطی تولید و صنعت ابریشم در چین رشد و توسعه یافته بود. از ابریشم لباس ، چتر ، و تار های آلات موسیقی را می ساختند. نقاشان درروی تکه های ابریشمی صحنه های افسانوی و مناظر طبیعت را نقش می کردند. بافند گان در گلدوزی و گلکاری روی تکه چنان مهارت داشتند که کار شان با مقایسه به اصل منظره ها کمتر فرق داشت. صنعت چینی سازی در قرون وسطی در چین پیشرفت های زیاد کرده بود. برای ساختن چینی از گلهای مخصوص و مواد کوهی کار میگرفتند. چینی سازان ماهری میگفتند: "که ظرف چینی باید مثل آئینه شفاف و مثل گل نفیس ، چون نوای موسیقی خوش آواز و چون ابردرروز آفتابی درخشان باشد."

صنعتگران چینی از برونز ، عاج و چوب های قیمتی اشیای گرانبهائی میساختند که از آثار برجسته هنری به شمار رفته اند. ظروف را با کنده کاری های تصاویر و سنك های قیمتی تزیین میکردند. آهن را توسط ذغال ذوب می کردندو بعد کوره های ذوب آهن را تکامل داده فلز بیشتری استحصال میکردند.

تجارت و دریا نوردی:

تجار چین اموال و سامان تجارتی را جهت فروش به شهر های مختلف درداخل و خارج کشور حمل و نقل می نمودند. جهت فراهم کردن تسهیلات در حمل و نقل ، چینی ها کانال بزرگی را به طول ۱۷۰۰ کیلو متر حفر کردند. این کانال در یاهایامکتر و

هوانگهو را با هم وصل میکردند. حفر این کانال به علاوه آنکه حمل و نقل را آسان کرده بود در آبیاری زمین های زراعتی نیز کمك زیاد نمود.

کاروان های تجارتی از طریق راه بزرك ابریشم به آسیای میانه ، افغانستان ، ایران و بیزانس در رفت و آمد بودند. راه های تجارتی که به سواحل بحر ها،ارتباط داشتند طولانی و پر مخاطره بود. اموال تجارتی گاهی توسط اشتران و زمانی توسط اسپ ها حمل و نقل می‌شد.

چین با ممالکی که در ساحل بحر هند قرار داشت روابط تجارتی خوبی داشت. به شهر های ساحلی چین هم تجار از ممالك دور می آمدند. اعراب در جنوب چین برای خود تجارت خانه تأسیس کرده بودند.

علم ومعارف:

جهت اداره کشور بزرك چین دولت به اشخاص با سواد ضرورت داشت. در مکتب های شهر فرزندان فیؤدالان و تجار تحصیل میکردند. برای مامورشدن هر شخص باید امتحان مشکل را سپری میکرد.

در چین کتاب های درسی در مورد عمرانات ، آبیاری ، زراعت وغیره چاپ شده بود.نسخه های قدیمی را در کتابخانه ها خیلی دقیق حفظ می کردند. طبیبان در چین از گیاهای مختلف دارو و دوا تهیه میکردند. عملیات جراحی را انجام می دادند.

و برای چیچك واکسین اختراع کرده بودند. (اختراع واکسین و غیره از دست آورد های مهم آنها به شمار می رود.)

چینی ها به تاریخ کشور شان علاقه زیاد داشتند ، دراین مورد ضرب المثلی داشتند که میگویند :" گذشته را فراموش مکن ، زیرا گذشته معلم آینده است."

چینی ها آثار مورخان قدیم را جمع آوری و نگهداری میکردند. و هم چنان فرمان های امپراتوران و سایر اسناد را تدوین مینمودند. سفر های بحری چینی ها در انکشاف جغرافیا کمك کرد ، سیاحان با ممالك زیادی سفر میکردند. در یا نوردان نقشه های سواحل بحری آسیای جنوب شرقی را تهیه و ترتیب کرده بودند.

چینی ها کوشش میکردند را ههای آبی سواحل جنوب آسیا را تحت نفوذ خود بیاورند. کشتی های چینی به جزایر زونده ملوك ، هندوستان ، ایران ، و جنوب عربستان رفت و آمد داشتند. در جریان یکی از سفر ها در یا نوردان تا ساحل شرقی افریقا نیز رسیدند سفر های دریایی در انکشاف در یا نوردی کمك کرد. و چینی ها را به بسیاری از کشور های دیگر آشنا ساخت.

اختراعات:

چینی ها مرکب (سیاهی) و کاغذ را اختراع کردند.فن چاپ را نیز چینی ها اختراع کردند. کلمات را بالای تخته ها حك و بعد بالای آنها رنك زده و سپس آنها را روی کاغذ ها گذاشته عمل چاپ را انجام دادند. در قرن ۱۱ میلادی حروف علیحده و قابل وصل را اختراع نمودند و طریقه ساده تر چاپ راروا ج دادند.

در قرن ۸میلادی در پایتخت چین روز نامه ای (اخبار پایتخت) چاپ میشد. که در آن فرامین امپراطوری ووقایع مهم روز نشر میگردید.چینی ها باروت را نیز اختراع کردند. که ابتدا از آن در آتش بازی و بعد ها در امور نظامی و عسکری کار میگرفتند.

در قرن ۱۱ میلادی در یانوردان چینی از قطب نما استفاده نموده و سمت حرکت را در بحر توسط آن تعین می نمودند.

معمـــاری و رســـامی:

نظر به اداره امپراطوران و فرمایش فیؤدالان قصر های عمارت ها در چین چندیـن طبقـه ساخته مـی شـد. از چـوب ، سـنك ، برونـزو آهـن بحیـث مـواد سـاختمانی اسـتفاده میشد.تعمیر ها با کنده کـاری هـا تزئـین مـی یـافتند.رسـامان در مکتـب هـای مخصـوص درسـی میخواندند. ایشان در روی تکه های ابریشـمی بااسـتفاده از رنـك هـای مختلـف تصویر های زیبایی را نقش میکردند. در پایتخت نمایشگاه رسامی رسامان ماهر وورزیده بر گزار میگردید. در قرون وسطی چینی ها به پیشرفت های بزرگی در علم ، تخنیـك و صنعت نایل گردیده بودند.

تمرین:

۱- فیودالان در کدام قرن و بخاطر چه متحد شدند و دولت واحدی را تشکیل دادند؟

۲- تمرکز دولت فیودالی چه تاثیری بر زندگی دهقانان داشت ؟

۳- تمدن و فرهنك در چین تا چه پایه رشد نموده بود؟

٤- چینی ها در آن دوره چه اختراعات و اکتشافاتی داشتند؟

٥- در زمینه طب تا چه اندازه در آن دوره چینی ها پیشرفت نموده بود؟

عبادتگاه چینائی

بخش پنجم

هنـــــــد

ساختمان جامعه هند بر اساس طبقات و وجود کاست ها (صنف بندی) بنا شده بود. طبقه حاکمه و کاست های ممتاز " برهمن " ها و " کشاتریا " ها بودند. این دو طبقه را دیگران بپست تر می شمردند.

وجود چنین سیستم فقر و ناداری شدیدی را براکثریت مردم تحمیل نموده بود. دهقان ها زیادتر ازنصف محصول خود را برای طبقه های ممتاز می دادند. و برای اعمار کانالها ، قصر ها ، ساختن سرك ها و دیگر کار های شاقه نیروی دهقان ها به بیگارگرفته می شد.

طبقه های ممتاز همیشه بر سر آقایی و اولویت یك طبقه با هم اختلاف وجنك داشتند. طبقه پائین (شودرا ها) از ظلم و تعدی های طبقه ممتاز به تنك آمده بودند.تنها تسلی آنان در قبال این همه تجاوزات گریه و اشك چشم بودو بس.

منازعات داخلی و جنك و جدال های طبقات ممتاز وحدت ملی هند را از بین برده بود. و این شرایط زمینه مناسبی را برای تجاوز و استیلای قدرت های خارجی فراهم نموده بود.

تأسیس دولت های اسلامی درهند:

در اوایل قرن هشتم میلادی لشکریان عرب به مناطق حوزه سند حمله کرده و قسمت جنوبی وادی سند را جز قلمرو خلافت ساختند. حکمرانان هندی به زودی متحد شده و از نفوذ اعراب به سایر نقاط هند جلوگیری نمودند. متوقف ساختن اعراب دروادی سند به راجه های هند فرصت داد تا قدرت مدافعه و مقابله خود را بلند ببرند.

استیلای اعراب در هند محدود بوده و صرف قسمت های شمال غربی را در برمیگرفت.

بعد از تجزیه خلافت اعراب در سر زمین خراسان (افغانستان کنونی) دولت قوی بوجود آمد که مرکز آن در غزنی بود. یکی از مقتدرترین شاهان این دولت سلطان محمود نام داشت. که هفده مرتبه به هند لشکر کشی نمود. در اثر حملات محمود تمام قسمت های‌شمال و شمال غربی هند به ویرانه ها تبدیل شد.

در اوایل قرن ۱۳در قلمرو فیؤدالی مسلمان در شمال هندوستان دولتی بوجود آمد که مرکزآن دهلی بود. حکمرانان این دولت بنام سلاطین دهلی یاد میشدند. و قسمت زیاد هندوستان زیر تصرف شان قرار داشت.

بابر

در سال ۱۵۲۶ بابر که از نوادگان تیمور و مادرش هم از اعقاب چنگیز بود. پیروز مندانه وارد هند شد و یك امپراطور بزرك تشكیل داد كه بنام امپراطوران مغل هند شناخته شد. بابر بیش از چهار سال در هندوستان حکومت نکرد اما امپراتوری که اوتاسیس کرد بیش از دوصد سال دوام یافت.وی کتابی دارد به نام بابرـ

نامه که در واقع خاطرات او است. این کتاب به زبان چغتایی نوشته شده است.

اقتصاد و فرهنك:

در افسانه های مردم مشرق ، هندوستان ثروت زیاد و فراوان داشت ، در غرب راجع به ثروت و دارایی راجا های هندی افسانه ها وجود داشت.

دارایی و ثروت مردم هند را مردم زحمتکش هند بوجود می آوردند. دهقان ها کانال ها اعمار کرده و زمین های بایر را اعمار و آبیاری میکردند. این دهقان ها در زمین های زراعتی برنج ، پنبه ، نیشکر ، و نبات های طبی کشت میکردند. زمین های آبی در یك سال دو سه مرتبه حاصل میدادند. مردمان همسایه از دهقان های هندی طریق زرع و حاصل برداری پخته و برنج را می آموختند.

کسبه کاران یا پیشه وران هندی مهارت و شهرت زیاد داشتند. زرگران از طلا ونقره زیورات وظروف می ساختند. آنان سنك های قیمتی را به مهارت خاص تراش و صیقل نموده زیورات و ظروف زیبا و قیمت بها می ساختند. از استخوان دندان فیل (عاج) و چوب ها نسخت مجسمه ها و آلات بسیار قیمتی می ساختند. در دستگاه های بافندگی تکه های بسیار نازك و نفیس بافته می شد. در آن زمان تکه های بنام " آبشار" و "شبنم" بسیار شهرت داشت.

روابط با ممالك دیگر:

در ساحل غربی هند بنادر زیادی بوجود آمد. یکی از بزرگترین آنها بندرکالی کوت بود. حکمران کالی کوت به انام امیر البحر یاد می شدند. حکمرانان کالی کوت دارای نیروی دریایی قوی بودند. و از مقتدرترین راجا های هند در سواحل غربی به شمار میرفت. در بازار های پرنفوس و بندر های شهر های ساحلی اموال و تولیدات داخلی و

متصدی بودن حرم و بر گزیدکان خداوند تقدیس می کردند بر خور داری آنانرا موهبت فطری ومحرومیت خودرا ضرورت طبیعی تلقی می کردند!!

ظهور اسلام

در چنین شرایط که عرب ها در طول قرون دراز در حال خفتگی بسر می بردند واز آنچه در سایر جاها اتفاق می افتاد جدا و بی‌خبر بودند، ناگهان بیدار شدند و بانیرو وقدرتی عجیب دنیا را تهدید کردند و زیر و رو ساختند. سر گذشت عربها و داستان اینکه چگونه به سرعت در آسیا و افریقا و اروپا توسعه یافتند وفرهنك وتمدن عالی وبزرگی به وجود آوردند یکی از شگفتگیهای تاریخ بشری می باشد.

نیرو وفکر تازه ای که عربها را بیدار ساخت وایشان را از اعتماد به نفس وقدرت سرشار ساخت، آیین مقدس اسلام بود. پیامبراین مذهب شخصی بود به نام محمد(ص) که در صداقت گفتار و رفتار ورد زبان همه بود.

تولد حضرت محمد:

حضرت محمد (ص) در روز هفدهم ربیع الاول عام الفیل (سال هجوم لشکر ابرهه بافیل ها به مکه) ازمادری به نام آمنه متولد شد. پدر او عبدالله فرزند عبدالمطلب واز نوادهٔ بنی هاشم بود. به همین جهت خاندان او را بنی هاشم می نامند. بنی هاشم طائفه ای از قبیلهٔ قریش بود.

عبدالله پدر پیامبر اکرم ، قبل از تولد او در گذشت وجد او حضرت عبدالمطلب سرپرستی او را به عهده گرفت. عبدالمطلب طبق رسم خانواده های بزرك آن زمان این

خارجی به فروش میرسید تاجران تکه ، نبات های طبی ، رنك ، زیور ، آلات و لوازم مزین چوبی از چین ، افریقا و عربستان به هند می آوردند.
نقش عمده را در تجارت با هند تجار عرب بازی میکردند. آنها راه های تجارت هندوستان را در اختیار داشت. در بند رهای هندی عرب ها به صورت دایمی بود وباش داشتند.

انکشاف علم و هنر:

هندی ها در رشته ریاضی ، ستاره شناسی و طب به موفقیت های بیشتری دست یافته بودند.در بعضی شهر های هند رصد خانه های وجود داشت که تا امروز باقی مانده است. ستاره شناسان ثابت کرده بودند که زمین کروی بوده و به دور محورخود میچرخد.
طبیبان هندی عملیات کاسه سر را انجام داده می توانستند قبل از عملیات داروی بیهوشی استعمال کرده و در جریان عملیات از آلات و سامان های مغلق و پیچیده کار می گرفتند.
معماران هندی از سنك و خشت در معابد ، منارها و برج های بلند می ساختند. اغلب اوقات معابد درکوهها و مغاره های بزرك ساخته می شد. یکی از بزرگترین این معابد معبد (اجنتا) است که درهند مرکزی قرار دارد و در قرن شش میلادی ساخته شده است.دیوار های این معبد با نقاشی های برجسته و تصاویر تزیین شده بود.ازروی این تصاویر زندگی هندی های آن وقت را میتوان مطالعه نمود.
در داخل معبد ستون های عظیم و تزیین شده قرار دارد هم چنان درداخل معبد مجسمه های بزرك خدایان هندی از مس و سنك ساخته شده قرار داده میشد. برای اینکه مردم از خداها بترسند مجسمه های خدایان را باچندین سرو دست میساختند مردم در معابد

خوراکه ها و نذر ها آورده قربانی میکردند. موسیقی نوازان و رقاصان بوسیله ساز ، آهنك و رقص می خواستند خدارا خوشنود سازند.

هیکل تراشان یا مجسمه سازان هندی مجسمه های بسیار زیبای حیوانات را می ساختند. در نزدیکی عبادتگاه ها و مقبره ها مجسمه های فیل و دیگر حیوانها قرار داده میشد.

خدمات علمی و فرهنگی حکمرانان مسلمان هند:

در میان خدمات حکمرانان مسلمان به شبه قاره هند ، کوشش های شان برای توسعه فرهنك و ادب جای خاص خود را دارد. در این دوره زبان فارسی ، زبان رسمی کشور و زبان دانشمندان و طبقه تحصیل کرده بود. نویسندگان مسلمان هند آثاری بسیار با ارزشی را در این زبان منتشر ساختند اولین شاعر پارسی گوی هندی امیر خسرو بود و پس از وی عده زیادی از شاعران پارسی گوی درهند ظهور کردند که میرزا غالب شاعر قرن دوازدهم و علامه اقبال لاهوری شاعر معاصر را از میان آنها میتوان نام برد. از دیگر شاعران پارسی گوی هند باید به "بدیل " اشاره کرد که به زبان ترکی و فارسی شعر میگفت و سبك وی در میان شعر دوستان معروف گشت.

در این دوره کتابهای بسیاری از زبانهای سانسکریت و عربی به زبان فارسی ترجمه شد. این ترجمه ها به غنای زبان فارسی افزود.عبدالحمید و عبدالغفور دو مورخ پاکستانی مینویسند :

بزرگترین سهم مسلمانان به ادبیات هند و پاکستان اهمیتی بود که آنان برای زبا نهای محلی نظیر پنجابی ،هندی و بنگالی قایل شدند و ارزش آنها را تا حد زبان سانسکریت بالا بردند و شاید بزرگترین خدمتشان به زبان و ادبیات ، توسعه دادن و متداول ساختن زبان اردو بود.

تاریخ نویسی:

قبل از تشکیل حکومت مسلمانان مغولی درهند هیچ سندی تاریخی قابل ذکری در این سرزمین وجود نداشت. هندو ها در شبکه پیچیده ای از عقاید و اندیشه های خرافاتی بسر میبردند. آنها به نگارش تاریخ اهمیتی نمی دادند.

آشنایی هندو ها با تاریخ فقط از طریق کتاب های مذهبی آنان نظیر " وداها " بوراناهاو " او پانیشاد " ها امکان پذیر بود.با مطالعه عمیق این آثار شناختی سطحی از زندگی اجتماعی و سیاسی هندو ها در طول تاریخ امکان پذیر بود اما نه اینکه بتوان تاریخ منظمی از آنها درك کرد

مسلمانان بر عکس به ثبت توالی تاریخ وقایع و حوادث علاقمند بودند. آنان نه تنها سازندگان تاریخ بسیاری از سر زمین ها بودند بلکه تاریخ زندگانی آنان را نیز برشته تحریر در آوردند. جغرافی دانان ، سیاحان و مورخان مسلمان مطالب بسیاری درباره هند نوشتند.در واقع از طریق کوشش مورخان مسلمان بود که ارزش واقعی فرهنك هندی به بقیه جهان شناسانده شد.

یکی از دانشمندان بزرك مسلمان که قبل از حکومت مغولان مسلمان ، در باره هند وکیش هندو تحقیق ارزنده و جالبی کرد ابوریحان البیرونی (٤٤٠-٣٦٢هجری قمری) ریاضی دان ، ستاره شناس ، جغرافیه دان و مورخ اسلامی بود.

ابوریحان بیرونی در شهر خوارزم بدنیا آمد و دوران کودکی خود را در خوارزم گذراند.او ۲۵ ساله بود که از خوارزم به خراسان و از آنجا به ری و طبرستان (مازندران کنونی) و جرجان رفت. در نخستین سالهای قرن پنجم هجری سلطان محمود غزنوی خوارزم را تصرف کرد. و از چند تن دانشمندان ، از جمله بیرونی ، خواست که به غزنه برود بیرونی به غزنه رفت و تا پایان عمر دردستگاه غزنویان ماند گار شد. چند بار سفر های‌کوتاهی به وطن خودخوارزم کرد. در بیشتر جنك های سلطان محمود در هند همراه او بود. مقصود بیرونی از این سفر ها آشنایی با فرهنك هند بود.

بیرونی در مدتی که در هند بود چند کتاب با ارزش در باره ریاضی و فلسفه و پزشکی‌ازسانسکریت به عربی ترجمه کرد. طول و عرض جغرافیایی بعضی از شهر های هند را با روش اختراعی و استفاده ازهندسه و مثلثات بدست آورد.

کتاب " تحقیق ماللهند " تالیف بیرونی جامع ترین کتاب عصر قدیم در باره تاریخ ، فلسفه ، سنتها و اوضاع اجتماعی هند است. کار بیرونی برای نوشتن این کتاب بسیار دشوار بوده است اوگذشته از آموختن زبان سانسکریت ، کوشش بسیار در جمع آوری کتابهای هند یان کرد. بیرونی در باره روش تألیف ماللهند می نویسد:

"من این کتاب را نوشتم بی آنکه بهتان و نسبت دروغ بر هندیان ببندم.گفته ها و عقیده های آنها را نقل کردم.اگر این سخنان در نظر مسلمانان خوش نیاید به آنها میگویم که این عقیده آنها ست. زیرا این کتاب ، کتاب بحث و ستیزه جویی نیست تا در آن به رد کردن عقیده بپردازم من میخواهم عقیده هند وان را چنانکه هست بیان کنم و شباهتهای آن را با ملتهای دیگر نشان بدهم."

بیرونی در کتاب ماللهند منبع خبرها و کتابهایی را که از آنها استفاده کرده است نام می برد.قسمتی از متن اصلی را نوشته خود می آورد تا خواننده گفته او را صحیح بداند.

قبل ازآمدن حکمرانان مغول مسلمان هند کتابهای مورد مطالعه دانشمندان کتابهای مشهوری چون " تاریخ فیروز شاهی " ضیاو الدین بارنی و" طبقات ناصری " و " خزائن الفتوح " امیر خسرو بود. حکمرانان مسلمان مطالعه و بررسی تاریخ راتشویق کردند و ازمورخان می خواستند که کتاب تاریخ بنویسند. از سری کتاب های تاریخی که در عصر اکبر شاه نوشته شد می توان از کتاب " منتخب التاریخ " و " اکبر نامه " مورخ معروف هندی ابوالفضل را نام برد. ابوالفضل کتاب دیگری بنام " آینه اکبری " دارد که تاریخ کامل و دقیق و مفصلی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن دوره است.

در زمان شاه جهان و اورنك زیب نیز کتابهای تاریخی مهمی تألیف شدند. که بعضی ازمولفان آنها هندومذهب بودند.

کتاب " تزوك بابر" یا کتاب خاطرات بابر نیز از آثار ارزشمند تاریخی محسوب می شود.بابر مهمترین وقایع زمان خود را ثبت کرده است. او زیبایی طبیعت رادر آثار خود ستوده است. نوشته های او قدرتش را در توصیف زیبایهای طبیعی نشان میدهد. این کتاب به زبان ترکی بود و عبدالرحیم خان در زمان اکبر شاه آن را به زبان فارسی ترجمه کرد. جهانگیر نیز همچون بابر شرح زندگی خود را به ترکی منتشر ساخت.

نقاشی:

قبل از حکمرانان مسلمان هنر نقاشی درهند در مراحل ابتدایی خود بود و به نقاشیهای مذهبی خلاصه میباشد. مسلمانان سبك های جدید نقاشی را به هند وارد ساختند.هنر کشیدن تصویر برای کتابها از ایران به هند وارد شد. زیرا که ایرانیان در این مورد مهارت بسیار کسب کرده بودند.آنها کتاب های بسیار تولید کرده بودند که در هر صحفه نقاشیها و تابلو های زیبا وجود داشت. معروفترین نقاش آن زمان ایران بهزاد بود. نقاشان بسیار سبك های او را تقلید کردند. ودردربار پاد شاهان هند تصاویر بسیاری از پادشاهان و در باریان کشیدند.

بابر تابلو های زیادی از بهزاد داشت همایون که پانزده سال از زندگی خود را در ایران بصورت تبعید گذراند در هنگام بازگشت به هند دوتن از شاگردان بهزاد به نام های خواجه عبدالصمد شیرازی و سید علی تبریزی را با خود به هند برد.آنها مامورشدند که برای کتاب معروف داستان امیر حمزه یکهزار ودوصد تصویر بسازند. البته همایون قبل از اتمام کتاب درگذشت و نقاشان تابلو ها را در زمان سلطنت اکبر شاه به پایان رساندند.

اکبرشاه هنر را دوست میداشت و به هنر مندان احترام می‌گذاشت. او برای تربیت نقاشان هندی یك کالری تشکیل داد و دو نقاش معروف را به عنوان معلم در آنجا به تعلیم واداشت.وی از این طریق تابلوسازان هندی را با آخرین فنون نقاشی آشنا ساخت. در زمان اکبرنقاشی بر روی دیوار نیز رسم شد و در زمان شاه جهانگیر توسعه یافت.

خط نویسی:

خط نویسی مانند نقاشی دردوره سلطنت پاد شاهان مغولی از اهمیت بر خودار بود. از آنجایی که پاد شاهان سلسله گورکانی هند به خط نویسی علاقمند بودند ، خوشنویسان دردربارآنها جایگاه و مقام ویژه یافتند و حتی شاهان خود به تمرین خط نویسی می پرداختند. سلطان نصیرالدین محمود خود با خط خوش قرآن نوشت ،بابر خطی را پدید آورد که به خط بابری معروف شد. خواجه عبدالصمد شیرازی و سید علی تبریزی گذشته از نقاشی ، خطاطان برجسته ای نیز بودند. اکبر ، شاه جهان واورنك زیب خطاطان معروفی را دردربار خود داشتند. اورنك زیب خود درخط نستعلیق معروف شد و آثار مهمی از خود باقی گذاشت.

معماری:

قبل از حکمرانی با دشاهان گورکانی بیشتر عمارات هند به شکل معابد و مکانهای عبادت هندوان بود. سبك معماری هیچ تنوعی نداشت و همه به یك گونه بودند.در شیوه معماری هندوان ، دروسط معبد که معمولاً تاریك بود مجسمه مورد پرستش به صورت زن یا مرد قرار می گرفت و پرستندگان هندو یکی یکی به جلوی مجسمه می رفتندو به نیایش مشغول می شدندودر خانه های مسکونی هندوان ، اتاق های نشیمن

تاریك بود و هوای کافی به آن نمیرسید. بابر بس از فتح شمال هند در خاطرات خود از بناها و قصر های تاریك " راجامان سینك " نام می برد و می نویسد که از تاریکی چشمش جایی را نمیدید.در مقایسه با این بنا ها ، مساجد مسلمانان روشن، بزرك و از هوای کافی بر خوردار بود.

ازآنجایی که هندوان اجساد مردگان خود را می سوزاندند، تا قبل از ورود مسلمانان مقبره ای در هند وجود نداشت. از این رو همه مقبره های مشهور و آثار تاریخی در هند متعلق به دوره مسلمانان است.

مسلمانان در بناهای خود از آهك و ساروج استفاده میکردند درحالی که هندوان از این مواد آگاهی نداشتند ، اطاقهای هلالی و گنبد و مناره نیز از ویژگیهای معماری مسلمانان هند بود. دروازه علائی دهلی نمونه[۶] از معماری اسلامی آن دوره است. مسجد فاتح بورسیکری در آگرا نیز از معماری های برجسته آن دوره است.

در زمان اکبر شاه سنك های سرخ در معماری ساختمان بکار میرفت ، بیشتر بنا های عصر شاه جهان دردهلی و آگرا ساخته شدند که مسجد جامع دهلی و تاج محل از معروفترین آنها می باشد ، به دستور او رنك زیب مسجد شاهی لاهور ساخته شد که بنای‌عظیمی از سنك های قرمز و مرمر است. مسلمانان در ساختن بناها شرایط آب و هوا و نیاز های محلی را درنظر داشتند در بنگال شرقی به علت باریش باران های سنگین در اغلب ماه های سال مساجد دارای گنبد و سقف های با نشیب تند هستند. تردیدی نیست که مشهور ترین بنای آن دوره تاج محل است. که بهترین بنا ها و هنرمندان برای ساختن آن کوشش کردند این ساختمان با سنك های مرمر و سنگهای قیمتی دیگر ساخته شده است و بیشتر کسانی که آن را دیده اند عقیده دارند که این بنا یکی اوّ زیباترین بنا هایی است که تاکنون بدست بشر ساخته شده است.

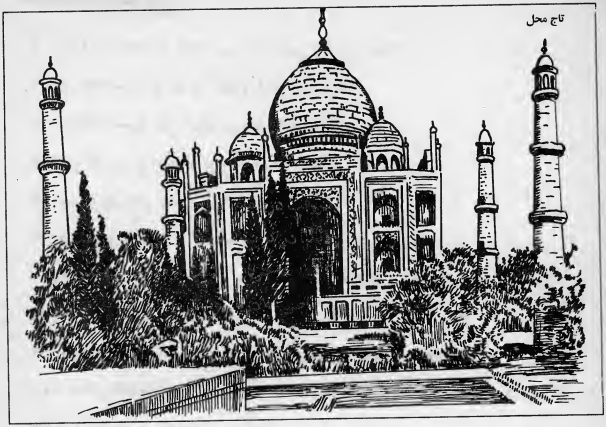

تاج محل

صنعت بارچه بافی در عصر مسلمانان در هند

تمـــــــرین:

۱- در هند ساختمان جامعه بر چه اساسی بنا شده بود؟

۲- درکدام سال عرب بر کشور هند حمله کرد؟

۳- سلطان محمود چند مرتبه بر هند حمله کرد؟

٤- بابر که بود و چگونه بر هند مسلط شد؟

٥- امپراتوری بابر چند سال دوام نمود؟

٦- فرهنك و اقتصاد تا چه پایه در هند انکشاف نموده بود؟

۷- حکمرانان مسلمان مغل تا چه پایه علوم و فرهنك را در هند رشد و تکامل دادند؟

۹- کدام یك از حکمرانان مغلی هند دارای اثر علمی و یا هنری است؟

۱۰- حکمرانان مغل در هند تا چه حد علم دوست بودند و تا چه حد دانشمندان را احترام و تشویق می نمودند؟

بخش ششم

روسیـــــــــــــه

طوایف اسلاو،یا اولین قومی که در سـرزمین وسـیع روسـیه سـکونت داشـتند ، قومـی صلح طلب و قناعت پیشه و آرام بودند . منشأ اقوام اسلاو برای پژوهش گران تاریخ چندان روشن نیست ، اکنون نشانه هایی دردست است که طوایف اسلاو سـالها قبـل از میلاد مسیح در جلگه وسیعی که بین رود خانـه ویسـتولا و کـوه هـای اورال قـرار دارد زندگی میکردند آنان برای قرن های متوالی در همانجا سکونت داشـتند و چـون به مکان دیگری هجرت نکردند شیوه زندگی آنان نیز تغیر نکـرد ،از قـرن پنجـم تـا قرن هشتم میلادی گروه های ایـن قـوم بـه سـوی جنـوب ، برخـی بـه سـوی شـرق و طوایفی به سوی غرب ابن جلگه رفتند . اسلاو هایی که به سوی شرق رفتند اجدادسه چهارم مردم کنونی روسیه میباشند.

اسلاو ها مردمی بودند بلند قد ، با پوست تیره و مـوی قهـوه ای روشـن . آنـان خـط نداشتند ، ادیان الهی را نمی شناختند و خدایـان سـاختگی را مـی پرسـتیدند . آنـان از طریق شکار ، ماهیگیری و کشاوزری زندگی میکردند.

و برخلاف طوایف جرمن ووایکنیگها مردم سـر بـه زیـر و صلـح طلـب بودنـد. آنـان ارتش و نیروی متشکل نداشتند واز همین رو وقتـی کـه طوایفـی از مردمـان شمـالی یـا وایکنگها به سر زمین آنها حمله ور شد قادر به جلوگیری از آنان نبودند.

کودك را در شیر خوارگی به زنی بنام حلمیه سپرد تا پس از پایان یافتن دوران شیرخوارگی، طفل را به مادرش باز گرداند.

حضرت محمد (ص) شش ساله بود که مادرش آمنه نیز در گذشت ودر هشت سالگی جد مهربانش عبدالمطلب را نیز از دست داد از آن پس سر پرستی حضرت محمد تا دوران بلوغ بر عهده ابوطالب، عموی حضرت بود.

اجداد حضرت محمد (ص) تا پنج نسل قبل سمت ریاست وکلید داری کعبه را بر عهده داشتند. تاریخ نویسان خاندان حضرت محمد را همگی به بزرگواری وپاکی وشرافت یاد کرده اند و بسیاری از آنان عقیده دارند که اجداد او بت ها را پرستش نمی کردند.

حضرت محمد در کودکی وجوانی دارای نوعی از ویژگیهای اخلاقی بود که اورا ازدیگر کودکان ونوجوانان جدا می‌کرد. راست گویی، درست کرداری، محبت به دیگران، دلسوزی و ایثارش برای انسانها از ویژگیهای اوبود، در جوانی هم به دنبال گناهان معمول آن زمان نرفت و در امانت وپاکدامنی نمونه بود، بطوریکه به اولقب امین دادند.

محمد امین وقتی که دعوت خود را برای مذهب جدید آغاز کرد و مخصوصا موقعیکه که به موعظه به ضد بت های مکه پرداخت، هیاهو و غوغای عظیمی به مخالفت با او برخاست وعاقبت از مکه به مدینه هجرت کرد. محمد (ص) ما فوق همه چیز مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می کرد که خود او پیامبر او ورسول اوبود در واقع خلاصهء دعوت او این جملات بود که "لااله الا الله محمد رسول الله."

هجرت پیامبر به مدینه که در آن زمان یثرب خوانده می‌شد مبدأ تحول عظیمی شد هر چند که دعوت اسلام کمی پیش ازهجرت شروع شد امامی توان گفت: که تاریخ واقعی اسلام از زمان هجرت وسال ٦٢٢ میلادی آغاز می گردد. هجرت پیامبر برای مسلمانان مبدأ تاریخ وتقویم می باشد که به نام تقویم هجری معروف است.

وایکینگها در قرن نهم میلادی از مغرب (یعنی سوئد) بـه اسـلاو هـا حمله کردنـد و خیلی زود شهر های آنان را تصرف کردند.

یکی از شهزادگان وایکینك مردی بود به نام روریك او شهر نوگورود (Novgorod) را فتح کرد و در سال ۸۶۲ میلادی حکومتـی را در آنجـا بنیـان گـذارد . بعـد از آن بسیاری از شهزادگان وایکینك شهر های ساحلی رودخانـه دنیـپر ، نظـیر کـی یـف را فتح کردند.

این فرمان روایان جدید بر خلاف اسلاو ها به تجارت علاقه فراوان داشتند. در اواخـر قرن دهم میلادی ، ولادیمیر حاکم شهر کی یف به تجارت این شهر رونق فراوان داد.

بازر گانی بین شهر کی یف بیشتر با رم شرقی یا بـیزانتوم انجـام میگرفـت و در نتیجـه رفت وآمد بین روسیه و قسطنطنیه (استانبول امروزی) مذهب ارتودوکـس در میـان روسها ریشه گرفت ولادیمیر خود مسیحی شد بدنبال او اکثر مردم شهر کـی یـف بـه دین مسیح (البته مسیحت ارتودوکس) در آمدند .

پس از مرك ولادیمیر در سال ۱۰۱۹ میلادی پسرش یاروسلاو به حکومت رسید . او به مطالعه و جمـع آوری کتـاب علاقـه داشـت. نویسـندگان را تشـویق میکـرد و چنـد مدرسه در شهر کی یف تأسیس کرد واز همین رو یاروسلاوی عاقل لقب گرفت.

اما فرزندان این بادشاه لیاقت و کـاردانی او را نداشـتند .حتـی یکـی از نوادگـان وی تجارت با رّم شـرقی را ممنـوع کـرد وهمـین امـر موجبـات ضعـف حکومـت را فراهـم ساخت .

هجوم قوم مغول:

در آغاز قرن سیزدهم مغولان به روسیه تجاوز کردند. مغولان از شمال دریای خزر بـه روسیه راه یافتند. اما قبل از آنکه به شهر های بزرك روسیه دست یـابند چنگیز خـان مرد. پس از مرك چنگیز حمله مغولان به روسیه برای‌مدت کوتـاهی متوقـف شـد ، امـا

پس از چندی یکی از نوه های چنگیز به نام "پاتو" با لشکری جرار شهر های شرقی روسیه را یکی پس از دیگری فتح کرد تااینکه به مرز های آلمان رسید. بعد از آن پاتو برای بسیاری از شاهزاد گان که در شهر های روسیه حکومت میکردند. پیام فرستاد واز آنها خواست که به اطاعت او در آیند. شاهزادگان یکی پس از دیگری به نزد پاتو رفتند و به او بیعت کردند . پاتو اعلام کرد که مغولان قصد ماندن در روسیه را ندارند و در صورتیکه آنان قول بدهند هر ساله مبالغ هنگفتی خراج برای مغولان بفرستند می توانند همچنان به حکومت ادامه دهند. شاهزادگان پذیرفتند واز آن تاریخ تا سیصد سال بعد مردم روسیه خراجگزار مغولان بود.

این دوره از زندگانی برای مردم روسیه ، بویژه کشاورزان بسیار اندوهبار است. شاهزادگان روسی برای جمع آوری مالیات کشاورزآن را سخت تحت فشار قرار می دادند .در این دروه با پدید آمدن سیستم فیؤدالی یا زمنیداری بزرك شیوه سرف داری به سبك اروپا نیز بوجود آمد .

سرف های روسی نیز شب و روز رنج میبردند و زحمت میکشیدند ولی حاصل رنج آنان صرف خوشگذارنی مالك بزرك ، شاهزاده روسی و یا مغولان باج گیر میشد .

پژوهشگران تاریخ روسیه این دوران تاریك و پر از رنج و محنت را عامل اصلی عقب ماندگی روسیه در قرنهای بعدی می دانند. در این زمان در انگلستان و فرانسه بتدریج طبقه متوسطه ، یعنی پیشه وران و بازرگانان شهر نشین ، در مقابل اشراف زمیندار می ایستادند اما در روسیه طبقه متوسط وجود نداشت و فیؤدالها و شاهزادگان روسی با قدرت و استبداد مطلق حکومت می کردند.

مسکو پایتخت روسیه می‌شود:

همانطوریکه گفتیم در سالهای اول تاریخ روسیه ، بیشترمردم این سر زمین درطول رود خانه دنیپر سکونت میکردند یکی از ایالت های کنار رودخانه ایالت کی یف بود. این ایالت به تدریج اعتبار تجاری خود را از دست داد و بسیاری از مردم بسوی شرق رفتند . شهر مسکو یکی از شهر های بود که روسهادر آنجا اقامت کردند و با کوشش خود آنرا شهر مرکزی تمام روسیه ساختند.

ایوان اول (۱۳۴۱ - ۱۳۲۵) با اقدامات عمرانی خود شهر مسکو را توسعه داد و سپس از کاردینالهای کلیسای ارتودوکس خواست که مراکز عبادی و تعلیمی خود را از شهر " کی یف " به مسکو منتقل سازند. رهبران مذهبی ارتودوکس دعوت او را پذیرفتند و همین امر بر اعتبار و توسعه مسکو افزود.

ایوان اول خود باجگزار مغلان تاتار بود و در جمع آوری مالیات برای آنان بسیار سخت گیر بود ، تا تار ها که کوشش او را در جمع آوری باج دیدند از دیگر شاهزادگان ایالت های دیگر روس خواستند که همه مالیات جمع آوری شده را در اختیار او قرار دهند تا وی همه آنها را یکجا به مغولان بپردازد .

مسکو جای رُم شرقی را میگیرد:

شهر مسکو در عصر حاکمان بعدی نیز همچنان توسعه یافت . اما این توسعه و اعتبار در قرن پانزدهم ، یعنی عصر حکومت ایوان سوم به اوج خود رسید. ایوان سوم با خواهر زاده آخرین امپراتور رم شرقی ازدواج کرد این ازدواج موجب گسترش روابط روسیه با رم شرقی یا بیزانتوم گردید. و دامنه تجارت ومبادله کالا و سفیر و مسافرت مردم بین دو امپراتوری توسعه بسیار یافت .

درسال ۱٤٥۳ وقتی که قسطنطنیه بدست مسلمانان ترك افتاد ، ایوان سوم خود را وارث امپراتوری از بین رفته بیزانتین نامید و نشانه عقاب دو سر را که علامت امپراتوری از بین رفته بیزانس بود به عنوان نشانه حکومت روس به کار برد.
کلیسای ارتودوکس نیز او را به عنوان جانشین امپراطوران رم شرقی پذیرفت. کشیشان ارتودوکس او را کسی میدانستند که میبایستی از مسحیت و "ایمان واقعی" دفاع کند.
ایوان سوم که روس ها اورا ایوان بزرك لقب دادند. بتدریج ارتش نیرو مند پدید آورد. شورشهای محلی را سرکوب کرد و کشوری متحد پایه گذاری کرد. از این زمان به بعد حکمرانان روسیه لقب "تزار " گرفتند .
درسال ۱٤۸۷ وقتی که نمایندگان مغولان برای دریافت باج وارد مسکو شدند ایوان به اطرافیان خود گفت:
اکنون زمانی است که درسی خوبی به مغولان باج گیر بدهم.
وقتی نمایندگان مغولان به دربار راه یافتند ایوان دستور داد که همه آنها جز یك نفر به قتل برسند. او سپس رو به تنها مرد مغولی کرد و گفت:
هرچه زودتر به نزد فرمانده خود برو و آنچه را که باچشم خود دیدی برای او باز گو. برای او بگو که اگر باز هم تقاضای باج کند به سر نوشت اینان دچار خواهد شد.
مرد مغولی نزد خان مغول برگشت و آنچه را که دیده بود برای او باز گفت. خان مغول لشکر عظیمی بسیج کرد و روانه شهر مسکو شد. اما این بار مغولان شکست سختی‌خوردند و به پایگاه خود در شهر غازان باز گشتند. نوه ایوان سوم که بنام ایوان چهارم بر تخت سلطنت نشست بخوبی آگاه بود که مغولان در کمین نشسته اند تا یکبار دیگر به مسکو حمله کنند. او لشکری عظیمی فراهم آورد و به شهر غازان حمله کرد. مغولان در این نبرد تار و مار شدند و برای همیشه از روسیه گریختند.

ایوان‌چهارم به مناسبت این پیروزی کلیسای سنت باسیل را در شهر مسکو ساخت.
ایوان پس از آن چنان نیرو مند شد که سپاهیانی به سر زمین های قسطان ، لیتوانی و سوئد فرستاد.

سپاهیان روس در یك سلسله از جنك های خونین موفق به تصرف این سر زمینها شدند. اما این موفقیت ها چندان دوام نیاورد مردم این سرزمین ها به مبارزه با اشغالگران پرداختند و آنانرا بیرون راندند.

ایوان چهارم یك سپاه تعلیم دیده را نیز برای فتح سر زمین نا شناخته سایبریا فرستاد. این سپاه توانست از کوههای اورال عبورکند و نواحی شرقی‌سایبریا را تصرف نماید.

ایوان چهارم مردی بسیار ظالم وقسی القلب بود واز این رو در تاریخ روسیه به "ایوان مخوف " معروف شد در عصر او ارتش روسیه سازماندهی جدید یافت و مراتب نظامی ، مانند کشور های اروپایی ، در آن معمول گردید. وی برای اولین بار یك "پلیس مخفی " نیز در سراسر روسیه برای شناختن مخالفان پدید آورد. او مخالفان خود را باقساوت کم نظیری از بین می برد.

ایوان مخوف برای ایجاد قصر های بزرك به سبك اروپا و حمله به سر زمین های جدید نیاز به پول فراوان داشت لذا مالکان زمین را برای دادن مالیات بیشتر سخت تحت فشار قرار می داد. مالکان نیز کشاورزان را به پرداخت مالیات و یا محصول بیشتر تحت فشار قرار میدادند. ظلم و ستم بیحد به روستائیان موجب شد که بسیاری از آنان خانه و کاشانه خود را ترك کنند و به سر زمینهای دیگر بروند.

مهاجرت و فرار روستائیان به سر زمین های مجارو موجبات کمبود نیروی کاررا پیش آورد ودرنتیجه مالکان قادر به پرداخت مالیات به تزار روس نبودند. مالکان مجبور شدند که از فرار کشاورزان جلوگیری نمایند و آنانرا وابسته به زمین کنند. از آن پس کشاورزان همراه با زمین خرید و فروش میشدند و در نتیجه نظام سرف از قرن شانزدهم درروسیه معمول شد.

ایوان مخوف گذشته از استبداد و بی رحمی فوق العاده رفتاری عجیب و غیر معمول داشت. گاه بی اندازه مهربان میشد و بخاطر ستمدیدگان و بیماران اشك می ریخت و گاه نزدیکترین افراد به خود را لت وکوب میکرد. آنها را دندان میگرفت و مجروح میکرد.

یك دهقان روسی

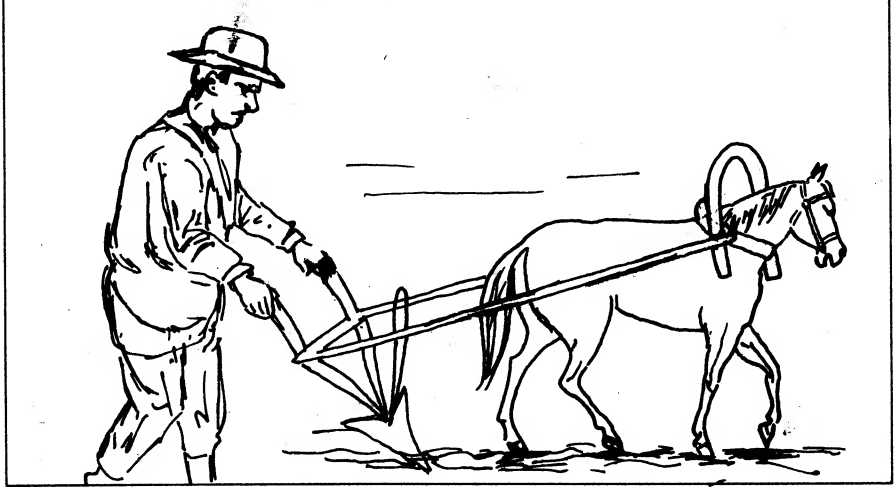

ایوان در آخر عمر خود بکلی دیوانه شد مردم مسکو شبها صدای زوزه او را می شنیدند که درون کاخهای کرملین از این سو به آنسو می دوید و فریاد میکشید و در سراسر روسیه همه از ظلم این امپراتور دیوانه به جان آمده بودند اما هنوز عده ای چاپلوس برای حفظ مقام خود او را " تزار بزرك " و "نجات دهنده ملت روس" می نامیدند.

تمرین :

۱- اولین قوم ساکن در روسیه چه قومی بود؟

۲- ولادیمیر کدام سال به حکومت رسید؟

۳- کدام یك از فرمانروایان روسی برای اولین بار از پرداخت خراج به مغولان خود داری کرد؟

٤- چرابه ایوان چهارم مخوف می گفتند؟

بخش هفتم

جـــاپـــان

جاپان سر زمینی است که از چهار جزیره برزك تشکیل یافته است: هوکائیدو/ هون شـو ، شی کوکو و کیوشو.

اکرنقشه جاپـان را دربرابـر خـود بگذاریـم جزایـر جاپـان را در میـان آبهـای بیکـران همچون مار دریایی بزرگی می بینیم.

جاپانی ها در مورد چگونگی پدید آمدن سر زمین شان افسانه معروفی دارند. مـادران جاپانی امروزه این افسانه را برای کودکان خویش باز می گویند:

" هنگامیکه زمین را آبهای ژرف فراگرفته بود ، ایزاناکی ، موجود بزرك آسمانی چنـان دلتنك شدکه گفت : " برای خویشتن زمینی خواهم ساخت زیباتر از همـه دریـا هـا و این سر زمین مرا سرکرم خواهد داشت.

پس ایزاناکی‌در راهی‌که برای آفرینش زمین می پیمود کشتزاران آسمانی را ترك گفـت. از هنگامیکه از پل آسمان مـی گذشـت ، نـیزه درخشـانش را در اعمـاق سـیلابها فـرو برد.آنگاه نیزه را در هوا کشید و دانه های درخشنده آن را که زیبایی بلورسـپید فـام داشت , از تیغه فرو افشاند ،این دانه ها بر سر سینه دریا نشست و کوه های پوشیده از برف و کشتزاران سبز و خرم جاپان را پدید آورد. ایزانکی سه بار نیزه خویـش را

به جنبش در آورد در هر جنبش دانه های از تیغه آن فرو ریخت. دانه های بزرك جزیره پهناور را دانه های خرد جزیره های سنگی کوچك را پدید آورد."

البته این فقط یك افسانه است. از نظر علم زمین شناسی ، جزایر جاپان با فوران آتش فشان های روشن پدیدار گشته است.

اگر از افسانه ها بگذریم. تاریخ اولیه جاپان بسیار تاریك و مبهم است. پژوهشگران تاریخ تا آغاز قرن بیستم ، به علت کمبود مدارك و اسناد قابل اطمینان در باره چگونگی زندگی ساکنان اولیه جاپان کمتر سخن می گفتند.

اما اکنون با کشفیات جدید باستان شناسی گوشه های از شیوه زندگی اقوام اولیه این سر زمین آشکار گردیده است.

اقوام اولیه جاپان و مذاهب آنها:

در حدود سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد ، قومی به نام.آینو (Ainu) در ناحیه شمالی جاپان زندگی میکردند. آنها قومی بودند ماهیگیر که در اطاقك های حفر شده در زمین زندگی میکردند. باستانشناسان از محل زندگی آنان ، انواعی از ظروف سفالین لعاب-

دیده با نقاشیهایی برروی آنها ، یافته اند. قوم آینو خورشید و باران و حتی آبشار ها و تخته سنك ها و در ختان و دیگر موجودات طبیعی را می پرستیدند.
مهم ترین آئین مذهبی آنها پرستش خرس بود. در همان زمان قومی دیگر در جنوب جاپان زندگی میکردند که آگاهی چندانی از آنان دردست نیست اما آشکار است که شیوه زندگی شان با آینو های شمال کاملاً متفاوت بوده است.
در حدود قرن سوم و چهارم قبل از میلاد اقوامی از ساکنان کره و فیلیپین به خاك جاپان هجوم بردند. این اقوام تازه وارد ، آینو ها را به جزیره هوکائیدو ، یعنی شمالی ترین جزیره سر زمین جاپان راندند.
آنان با خود سلاح های مفرغی ، صنعت کوزه گری و روش های پیشرفته کشاورزی را وارد جاپان ساختند. این قوم که در واقع اجداد اصلی جاپانی های کنونی می باشند چون دارای تمدن پیشرفته بودند اقوام اولیه جاپان را در خود جذب ساختند. آنان یك نوع سازمان قبیله ای در خاك جاپان پدیدآوردند که اساس جامعه جاپان دردوره های بعدی قرار گرفت. در شیوه جدید زندگی ، پرستش پدیده های طبیعت همچنان ادامه داشت ومعمولاً هر قبیله خدای ویژه خود را می پرستید.
اما هنوز در جاپان مردمی وجود دارند که آینوس نامیده میشوند و بنظر می‌رسد که فرزاندان همان آینوها باشند. این مردم رنك شان روشنتر و موی بیشتر دارند.
بطوریکه تاریخ نشان میدهد تا حدود سال بیست میلادی شیوه زندگی قبیله ای و اطاعت از رئیس قبیله ادامه داشته است. تا اینکه دولت نسبتاً نیرو مند " یا ماتو " در جاپان تشکیل گردید. این دولت تعدادی زیادی از قبایل را متحد خود ساخت. در این سالها ملکه جینگو دررأس این دولت قرار داشت.
با گذشت زمان مردم جاپان پرستش پدید های گو ناگون طبیعت را کنار گذاشتند و به آئینی بنام شینتو متعقد شدند که اختلاطی از ستایش طبیعت و ستایش اجداد بود.

شینتو یك كلمه چینی است كه به معنی " راه خدایان " می باشد. این آیین به زندگی پس از مرك و رموز اسرار آن اهمیت زیادی نمی داد اما به جای آن فرمانبرداری و اطاعت بی چون و چرا از فرماندهان و صاحبان قدرت را تعلیم میداد. امپراتوران و صاحبان قدرت از تعالیم شینتو در جاپان بهره برداری فراوان كردند. پرستش قدرت در جاپان ، همچون روم باستان مصیبت های بزرگی برای انسانها را بار آورد.

وقتی كه آیین بودا از چین به جاپان راه یافت تا اندازه به مذهب قدیمی شینتو تصادم پیدا كرد.اما هر دو آیین بزودی توانستند درکنارهم مستقر گردند. البته حاكمان و امپراتوران جاپان به رواج شینتو علاقه بیشتری‌نشان می دهند زیرا كه شینتو آیین یك نژاد جنگجو ومطیع است اما آیین بودا معنویت و تعقل را نیز مهم می دانست.

جاپانی ها تحت تاثیر تعالیم آیین شینتو امپراتور خود را مقتدرترین شخص دردنیا و یك وجود نیمه خدایی تصور

شهر یثرب آمدن محمد را مورد استقبال قرار داد وبه افتخار آمدن اونام شهر هم به مدینه البنی یعنی شهر پیغمبر مبدل گشت. که هنوز هم به همین نام معروف است.
اهالی مدینه که به محمد کمك دادند به نام انصار وکمك کنندگان مشهور شدند واولادان واعقاب این انصار به این عنوان خود افتخار می کردند وحتی هنوز هم افتخار دارند.
محمد (ص) هشت سال پس از هجرت پیروز مندانه به مکه باز گشت. حتی پیش از تسخیرمکه، ازهمان شهر مدینه پیامی برای حکمرانان و پادشاهان جهان فرستاد وآنها را به قبول وجود خدای یگانه ورسولش دعوت کرد. هراکلیوس امپراتور قسطنطنیه در موقعی این پیام را در یافت داشت که هنوز در سوریه با ایرانیها در حال جنك بود. پادشاه ایران نیز این پیام را در یافت.
از فرستادن همین پیامها می‌توان تصور کرد که محمد چه اعتماد و اطمینان فوق العاده‌ای به خود وبه رسالتش داشته است. و توانست همین اعتماد وایمان را در مردم کشورش نیز به وجودآورد وبه آنها الهام ببخشد ، بطوری که آن مردان بیابانگرد توانستند بدون دشواری برنیمی از جهان معلوم آن زمان مسلط گردند.
ایمان واعتماد به نفس چیز بزرگی است و این ثمرات عالی را به وجود آورد. هم چنین اسلام پیام برادری وبرابری را برای تمام مردم همراه داشت. بدینقرار یکنوع دموکراسی برای مردم به وجود می‌آورد، این پیام برادری وبرابری اسلامی نه فقط برای عربها بلکه برای مردم بسیار کشور های دیگر هم که مسلمانان به آنجا می رفتند جذبهء بسیار داشت.
محمد (ص) در سال ٦٣٢ یعنی ده سال پس از هجرت در گذشت درحالی که توانسته بود از قبایل فراوان عربستان که دائما باخود در جنك بودند ملتی بسازد. و آنها را ازشور وشوق خدمت در راه یك هدف بزرك سرشار بسازد.

میکردند و او را فرزندان خورشید می شمردند.
آیین شینتوموجب شد که مردم قدرت مطلق امپراتور را بپذیرند و از صاحبان قدرت در کشور اطاعت کنند. اما لازم است به این نکته اشاره کنیم که امپراتور خود قدرت واقعی نداشت و قدرت واقعی دردست چند خانواده بزرك ویا چند قبیله بود که امپراتوران را به میل و صلاح خود انتخاب می کردند.
نخستین خانواده بزرك جاپانی که در تاریخ آن کشور ظاهر شده و قدرت دولتی را درست گرفت خانوداه "سوگا" بود چون افراد این خانواده آیین بودائی را پذیرفتند ، این آیین به صورت در باری و رسمی در آمد یکی از رهبران این خانوداه " شوتوکی تایی شی " بود که از زور و قدرت پرستی نفرت داشت و کوشید که حکومتی براساس اخلاق بنا نهد ، نه بر اساس زور، فشار و قدرت.
در این جا باید به این نکته مهم اشاره کنیم که جاپانی ها بسیاری از جنبه های تمدن خویش را از چینی ها گرفتند ,آنان تا قرن پنجم نوشتن را خوب نمی دانستند ، خط چینی در سال ٤٠٥ میلادی از کره به جاپان رفت و مردم جاپان آنرا برای نوشتن زبان و افکارخود به کار بردند. در سال ٥٥٠ میلادی یك روحانی بودایی برای تبلیغ آیین بودا به جاپان رفت و همناطور که نوشیتم حتی توانست خانوداه قدرت مند سوگارا تحت تاثیر قرار دهد.
بعد از مرك "شوتوکی تایی شی" خانوداه سوگا " از مقام خود رانده شد و بجای آنان خانوداه فوجی وارا " به رهبری مردی بنام کاماتوری به روی کار آمد.
او دردستگاه حکومتی تغیرات گوناگون و فراوانی بوجود آورد و بسیاری از روش های چینی را تقلید کرد. خانوداه فوجی وارادر واقع در حدود ۲۰۰ سال بر جاپان حکومت می کردند. آنان امپراتوران را که همچون عروسکی دردست آنها بود به میل خودشان انتخاب میکردندو به تقلید از تمدن چینی اهمیت زیادی میدادند.

در سال ۶۰۷ میلادی اولین گروه جاپانی ها ، که در میان آنها عده زیادی طالبان علم نیز جود داشت به چین رفتند. سالها بعد وقتی دانشجویان جاپانی به کشور خود باز گشتند آنرا بسیار عقب مانده تر از چین دیدند و تصمیم به نشر فرهنك چینی گرفتند. همانطور که گفتیم در آن زمان جامعه جاپان یك جامعه قبیله ای بود که سران قبایل قدرت مطلق داشتند اما در سال ٦٤٥ میلادی امپراتور جاپان با فرمانی که آنرا "اصلاح بزرك" نامید سیستم قبیله ایرا منسوخ کردواعلام نمود که قدرت واقعی با امپراتور است. شصت سال بعد امپراتور دیگر جاپان اجرای یك قانون چینی را که از سلسله تانك گرفته شده بود اجباری کرد. البته این قانون جنبه های زندگی جاپانی ها را هم در نظر گرفته بود.شیوه زمنیداری ، گرفتن مالیات ، سرباز گیری ، ازدواج ، دفن مردگان و مراسم مذهبی همه شکل جاپانی گرفتند. این قانون بر همبستگی و اطاعت همه مردم جاپان از امپراتورتأکید فراوان میکرد. اطاعت و فرمانبرداری مطلق از امپراتور سال های سال بر قوت خود باقی بود. در قرن هشتم میلادی که امپراتوران بقدر کافی نیرو مند شده بودند دو پایتخت مهم ساخته شده. اولی شهر نارا "Nara" بود که شبیه شهر تانك ساخته شد و دیگری در سال ۷۹٤ میلادی بنا گردید وکیوتو نام داشت.

در قرن بعدی سیستم زمینداری بزرك (فیؤدالیزم) در جاپان قوت گرفت. این زمینداران که از خانوداه های اشراف بودند نظمی شبیه دوران شوالیه گری در اروپا داشتند.

چگونگی حکومت آنان بر رعایای محروم شوگون نامیده می شد ورئیس خانوداه قدرتمند نیز شوگون بود.شوگون ها گذشته از کنترول امور مالی و قضایی ، رهبری قوای نظامی را در هر ایالت دردست داشتند ،واحد های نظامی آنان از مردمان جنگاوری تشکیل می شد که سامورائی نامیده می شدند. سامورائی ها همچون شوالیه های اروپا در قرن وسطی در صورت ابرازشهامت تشویق میشدند. ابراز

شجاعت، وفاداری و ادب موجب می شد کـه سـامورائی بـه لقـب (بوشـیدو) مفتخـر گردد.

آغاز استقلال فرهنگی:

درقرن سیزدهم میلادی چینی ها سخت گرفتار جنك و گریز با مغلان بودنـد. از ایـن جهت قادر به تحمیل فرهنك خود بر مردم سر زمین جاپـان و حفـظ امتیـاز هـای خـود نبودند. مردم جاپان کم کم بفکر بدست آوردند استقلال کامل افتادند. اندیشیدن به استقلال و تکیه به فرهنك خودی آنچنان در این سر زمین قـوت گرفـت کـه مـردم بـه زودی احساس نیرو مندی نمودند.حس استقلال طلبی آنچنان قوت گرفت که سالها بعد قوبیلای قاآن امپراتور مغولی پر قدرت چین نتوانست جاپان را فتح کند. او چندین بار نیرو هایی را برای تسخیر جزایر جاپان فرستاد وهر بار با مقاومت دلیرانه مردم جاپـان مواجه گشت.

طوفان بزرك:

در سال ۱۲۸۱ میلادی حکومت مغولی سه هزار وپانصد کشتی جنگی برای تسـخیر جاپان آماده ساخت.

در حدود صد هزار سرباز چینی و مغولی در این کشتی ها جای گرفتند و بـه سـوی جاپان حرکت کردند. آنها این بار مصمم بودند که حتماً جاپانی ها را شکست دهنـد اما ناگهان طوفانی عظیم بر خاست.این طوفان آنچنان نیرو مند بود که همه کشتی هارا غرق ساخت. فقط تعداد کمی از سر بازان توانستند جان سالم بدربرند.جاپانی ها ایـن طوفان بزرك را که میهن آنان را از یك شکست حتمی نجات داد کامیکاز می نامند.

ضعف و سقوط فیؤدالیزم در جاپان:

درزمانی که خانواده آشیکاگا قدرت مرکزی را در جاپان دردست داشتند فیؤدالیسم در این سر زمین کم کم تحلیل می رفت و ضعیف میشد. جنك ها و رقابتها بین خانوداه های حکومتگر قدرت آنان را تضعیف کرده بود ، اما در بسیاری از نواحی ، کشاورزان با مشاهده ضعف حاکمان حکومتگر قیام کردند و کاخهای آنها را با خاك یکسان نمودند. از بین رفتن خانواده های فیؤدالی اگر چه برای مدتی بی نظمی و هرج و مرج را بوجود می آوردند اما بهر حال موجب رهائی کشاورزان نیز می شد. مبارزه بین خانوداه های حکومتگر سر انجام به پیروزی خانواده او دانا بوناگا منجر شد سران این خانواده فئو دال پیروز مند با اتحاد با خانوداه های کوچکتر از طریق ازدواج توانست قدرت خانوداه آشیکا گا را در سال ۱۵۳۷ میلادی کاملاً نا بود سازد و یك دیکتاتوری نظامی در سراسر جاپان مستقر سازد. این قدرت جدید به هرج و مرج ،دزدی و غارت شهر ها و روستا ها پایان داد و اکثر سامورایی ها را خلع سلاح ساخت.

نابوناگا که رهبری قدرت جدید را دردست داشت پس از آنکه کاملاً در جاپان پیروز گردید. تصمیم گرفت ابتدا سر زمین کره و سپس چین را تصرف کند اما قبل از آنکه رو یا هایش را عملی سازد در گذشت.پس از او بهترین جنگاورش برای عملی ساختن آرزو های او در سال ۱۵۹۲ با صدو شصت هزار مرد جنگی به کره حمله کرد.در ابتدا پیروزی با وی بود و مردم کره نتوانستند در مقابل نیروی عظیم جاپانی ها مقاومت کنند.سر بازان جاپانی بسوی شمال حرکت کردند و مصمم شدند که آرزوی دیگر نا بوناگا را که فتح چین بود عملی سازند.چینی ها با یك نیروی ضربتی فوق العاده عظیم به جاپانی ها حمله کردند.ده ها هزار نفر در جنگی هولناك و بیرحمانه کشته شدند. قوای چریکی مقاومت مردم کره نیز ضربات هولناکی بر جاپانی ها وارد ساختند تا آنجا که سر انجام جاپانی ها مجبور به ترك کره و باز گشت به سر زمین خود شدند.

در سالهای آخر قرن قرن شانزدهم و آغاز قرن هفدهم میلادی تغیرات عمده ای در شیوه حکومت جاپان پدید آمد.خانواده توکوگاوا قدرت را دردست گرفت و سیستم اخذ مالیات جهت ساختن قلعه های نظامی ، معابد و ترمیم خرابی های زلزله های فراوان را وضع کرد.

تمرین:

۱- نام چهار جزیره اصلی جاپان را بنویسید.

۲- اولین قومی که در شمال جاپان زندگی میکردند چه نام داشت؟

۳- خانواده فوجی وارا چند سال به جاپان حکومت میکردند؟

٤- حادثه کامیکاز در چه سالی اتفاق افتاده است؟

٥- چرا اغلب فرماندهان و حکام جاپان از مذهب شینتو طرفداری می کردند؟

دورهء خلافت:

پس از محمد(ص) یك نفر از قبیلهء قریش به نام ابوبکر (رض) خلیفه شد. این جانشینی از راه یك نوع انتخابات در یك اجتماع عمومی صورت گرفت بعد از او به ترتیب عمر(رض) عثمان(رض) وعلی (ع) خلیفه شدند.

این چهار نفر که از آنها به عنوان خلفای راشدین یاد می‌شود مردانی بزرگی بودند که بنیان عظمت اسلامی را استوار ساختند. آنها به عنوان خلیفه مقام ریاست روحانی وسیاسی را به عهده داشتند یعنی هم زعیم و رئیس سیاسی وهم پیشوا و رهبر مذهبی شمرده می شدند. آنها باوجود مقام بزرك وممتاز وقدرت روز افزون دولت شان زندگی سادهء خویش را ادامه دادند واز تجملات پر شکوه اجتناب داشتند در نظر آنها دموکراسی اسلام یك چیز واقعی و زنده بود. داستان های‌متعددی از حضرت ابوبکر، حضرت عمر وحضرت علی نقل می کنند که آنها امیران ومأموران خود را بدلیل سؤ استفاده مالی معزول می ساختندو به شدت مجازات می کردند حتی از این تجاوزات و اسرافها می‌گریستند. آنها می دانستند و احساس می کردند که قدرت شان در سادگی وتحمل سختیهای زندگی است و اگر آنها به تجملات زندگی دربار های ایران و روم بپردازند عربها هم فاسد می‌شوند وسقوط می کنند.

به دلیل پیام برادری وبرابری اسلام وعدالت خواهی رهبران اسلام درمدت کوتاهی امپراتوری روم وایران در قبال سپاه اسلام به زانو در آمدند.

تمـــــــرین:

۱- شبه جزیره عربستان دارای چند ناحیه است؟ آنها را نام برید.

۲- اوضاع اعتقادی، اجتماعی واقتصادی عربستان را در عصر بعثت به کمك معلم تان تحلیل کنید.

۳- حضرت محمد (ص) درکدام سال متولد شد؟ آنرا توضیح دهید.

٤- دوران جوانی و کودکی حضرت محمد (ص) چگونه گذشت آنرا نیز توضیح دهید.

٥- نقش اعتماد و ایمان را در تحولات اجتماعی تشریح کنید.

٦-پیامبر اسلام چگونه و از چه طریق موفق شد از میان اعراب بیابان گرد شخصیت های مهم سیاسی و نظامی تربیت کند.

۷- خلفای راشدین که بودند؟

۸- نمونه‌ای از اخلاق خلفای راشدین را اگر می دانید در ضمن مقاله ای ارائه دهید.

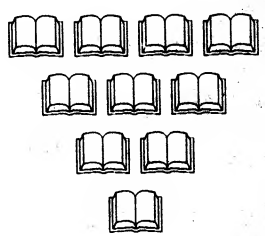

امویها ۶۶۱ تا ۷۵۰ میلادی مطابق ۳۹ تا۱۲۸ هجری:

علی علیه السلام شهید شد بعد از شهادت اوخلافت به امویها انتقال یافت شرایط نا- برابر اقتصادی واجتماعی در دوره اموی ها باعث شد که حکمرانان از خط پیامبر اکرم وخلفای راشدین عدول کنند و در اداره امور اجتماعی وکشوری راه ورسم امپراتوران وشاهان را انتخاب کنند.

با گزینش راه ورسم امپراتوران رومی وایرانی کم کم خلیفه بصورت یك سلطان وپادشاه مستبد در آمد. دیگر هیچ اثری از دموکراسی وآزادی آرأ ونظریات درجامعهء اسلامی باقی نماند. او نیز مانند یکی از پادشاهان مستبد زمان شد.

در زمان امویها مرکز خلافت به دمشق انتقال یافت. این شهر باستانی باکاخها، مسجدها و چشمه سارها وعمارات گوناگونی که در آن ساخته شد بسیار زیبا ومشهور گردید.دستگاه ذخیره وتوزیع آب شهر دمشق شهرت بسیار داشت.

در زمان امویها فتوحات اسلامی مجدداً آغاز گردید کشورهای در آفریقا،آسیا واروپا پشت هم بدست سربازان اسلام فتح گردیدند وبعد از گذشت تقریباً صد سال سرزمین های ازجنوب فرانسه واسپانیا وسراسر شمال افریقا تا سویز واز آنجا تاایران وآسیای مرکزی تا مرزهای مغلستان تحت تسلط خلفای اسلامی در آمدند.

عباسیها:

قریب صدسال خلافت در دست امویها بود. آنان از دمشق بر سرزمینهای وسیع حکومت می کرد. در زمان آنان مسلمانان پرچم اسلام را تا سرزمینهای دور دست برده بودند.

در زمان امویها در اثر ظلم وتعدی حکام اموی یك سلسله قیام وخیزش مردمی آغاز شد و این خیزش بصورت شورش وحرکت های توده ای در شرایط مناسب خود را

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيْمِ

همکاران ترقی اجتماعی-همتا
برنامه ارتقای آگـــاهی اجتماعی
بـخش تـعلیم و تـربـیه

تاریخ

صنف ششم ابتدائی

تـهیـه و تـدوین : کمیته تدوین نصاب تعلیمی

شناسنامه کتاب :

نـــــــــام : تاریخ صنف ششم ابتدائی

تهیه و تدوین : کمیته تدوین نصاب تعلیمی- برنامه ارتقای آگاهی اجتماعی - همتا

[illegible] خدمات نشراتی کاتب وابسته به همتا

[illegible] ۱۳۷۰

[illegible] اول

مقدمه

سیستم تعلیم و تربیت کشوردر طول سالهای جهاد وکشمکش های داخلی برسر قدرت ، بیش از هر سکتور دیگر صدمه دیده است. در آغاز جهاد مکاتب به حیث پایگاه فکری رژیم مورد حمله قرار گرفت و دروازه های مکاتب برای سالیان متمادی برروی شاگردان بسته ماند . شرایط طوری بود که تمام توجهات به جبهات نظامی و تسلیحاتی معطوف گردید و تعلیم و تربیهء فرزندان کشور به حیث یك ضرورت برای اکثریت از رهبران محلی احزاب و گروه ها وحتی رهبریت مرکزی آنها بصورت جدی مطرح نبود. این یك اشتباه بود که نمی توانست دیر ادامه یابد. اندك اندك به ضرورت تعلیم وتربیه و ایجاد مکاتب پی بردند . باز کشائی مکاتب وتدریس به شکل بسیار محدود آن آغاز گردید . ولی کمبود کتاب و عدم موجودیت یك نصاب تعلیمی سر تا سری ومطابق به شرایط و نیازمندی های کشور وجهان مشکل عمده ای بود که از موثریت تعلیم و تربیت به صورت قابل ملاحظهء میکاست . گامهای در این جهت از سوی بعضی ازمراجع به صورت جدا از هم برداشته شد .چند گونه نصاب تعلیمی از سوی چند مرجع تدوین گردید که گر چه قدم مثبتی بود ولی دارای نواقص جدی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی نیزبود .یك نصاب تعلیمی مناسب باید علاوه بر همخوانی با فرهنك جامعه . متناسب بودن با شرایط محیط ، روانشاسی و توانمندی شاگردان. تاکید برابتکار وخلاقیت شاگردان . پیوند شاگردان بامحیط اجتماعی .از آخرین پیشرفت ها و دست آورد های علوم و فرهنك در ساحه جهان نیز بر خوردار باشد . نصاب های تعلیمی قبلی از این جهات کمبود های فراوانی داشتند.

به منظور رفع این کمبود ها و به منظور تعلیم وتربیت موثر فرزندان کشور همکاران ترقی اجتماعی " هستا" با امکانات محدود خود نصاب تعلیمی چند گانهء موجود درکشور راکه در مکاتب مختلف تدریس شده است توسط عده ای از ماهرین تعلیم وتربیت و استادان قبلی پوهنتون کابل مورد بررسی نقادانه و تجدید نظر قرار داد. بالاخره بعد از غور ومداقهء زیاد وبا استفاده از نصاب تعلیمی دوکشور همجوار قادر گردیدکه نصاب تعلیمی جدیدی را برای صنف اول الی نهم مکاتب تهیه و ترتیب نماید . البته قابل یاد آوری است که قبل از بررسی و ازریابی نصاب های تعلیمی گذشته از تعدادی ازمعلمان شاغل خدمت. مورین و علما و افراد ذیصلاح دیگر در مورد کمیت و کیفیت این نصاب های تعلیمی. در مورد ساعات درسی هر مضمون. شروع مضامین جدید نظر به ضعوف و ضرورت به وارد کردن مضامین کاملا" جدید در نصاب تعلیمی. باز پرسی به عمل آمد.که علاوه بر آنکه پیشنهادات معقول و

صایب آنها در تدوین کتب نصاب تعلیمی جدید در نظر گرفته شد. مضامین جدید دیگری نیز که از طرف آنها تائید و تاکید گردیده بود در نصاب تعلیمی جدید گنجانیده شد. مانند مضمون روابط اجتماعی افغانستان . صحت و محیط زیست و ساعت شاگرد . همچنان برای بعضی از مضامین که در گذشته جزءنصاب تعلیمی بود ولی دارای متن معیین و توحید شده نبود . بلکه بیشتر طبق میل و فهم معلم پیش برده می شد مانند سپورت . حرفه. رسم . خط و سیر علمی متن های معیین توحید و تدوین گردید .

هیچ کتابی نمی تواند خالی از نواقص ومعایب باشد کتاب های تـــدوین شده جدید نیز نمی تواند ازاین امر مستثنی باشد . رهنمایی ها . مشورد ها وتذکرات مفید معلمان . دست اندرکاران تعلیم و تربیت و دیگر افراد ذیصلاح میتواند مارا در بهتر ساختن این کتابها کمك نماید .

ناگفته پیداست که کتاب به تنهایی هر قدر هم خوب و جامع باشد نمیتواند گره کشای تمام مشکلات باشد. از همین سبب است که تربیت معلمان ورزیده یك ضرورت عمده به حساب می آید . تربیه معلم جزئی از نصاب تعلیمی ومکمل آنست.

سخنی با معلمان محترم!

معلمی شغل مقدس و پیامبر گونه است . انسان ساز و جامعه ساز است . ازهمین سبب است که دانشمند بزرگواری گفته است " اگر فکر میکنی که میتوانی معلم خوبی شوی هر شغل دیگری را که انتخاب کنی خیانت کرده ای "

لذا معلم گرامی !

در شرایط حاکم برکشور ،که تمام شیرازه های اجتماعی، از هم پاشیده است و در شرایط که بخش تعلیم وتربیت از جملهء کم توجه شده ترین بخش های اجتماعی ما می باشد، ازامکانات محدود که به منظور تعلیم وتربیت فرزندان کشور فراهم شده است، اگر تو معلم گرامی استفاده اعظمی نه نمایی و تمام توان واستعداد خود را جهت تقویت مسلکی خود و تعلیم وتربیت سالم نو نهالان وطن به کار نگیری گناه عظیمی را مرتکب شده ای . البته تدریس خوب و موثر حفظ یك سلسله مقولات و متون و باز گو کردن آن به شاگردان نیست . بلکه بکار انداختن فکر و بیدار کردن استعداد های خفته شاگردان و بار آوردن آنها با روحیه سالم و اعتماد به نفس و آماده کردن آنها برای مواجه شدن با مشکلات و ایجابات زندگی فرد ست .

تحقق این مسایل ایجاب می کند که معلم باید صلاحیت هاو مهارت ها زیادی را در خود رشد دهد تا بتواند موفقانه از عهده حل مشکل بر آید . امید واریم معلمان گرامی درین مورد سعی بیشتر به خرج دهند و موفق گردند.

کمیته تدوین نصاب تعلیمی
همکاران ترقی اجتماعی - هسا

تاریخ

قرون وسطی